

درآمدی بر شناخت حق و باطل در طوفان الاقصی

«يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^(۱)

پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در مبارک شبی، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، که پیرامونش را پربرکت ساخته‌ایم؛ برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

در جستجوی حقیقت با پاسخ به ۳۰ سؤال

۱. صاحبان اصلی سرزمین فلسطین و بیت المقدس چه کسانی هستند؟
۲. دولت اسرائیل با چه اهدافی تشکیل شده است؟
۳. بر چه اساسی سرزمین فلسطین برای تشکیل دولت اسرائیل انتخاب شد؟
۴. دولت اسرائیل چگونه تشکیل شد؟
۵. آیا این گفته صحیح است که مردم فلسطین خود زمین‌هایشان را به یهودی‌ها فروخته‌اند، پس دیگر حقی ندارند؟
۶. چرا انگلیس و آمریکا برای سلطه خود بر منطقه، از صهیونیست‌ها استفاده می‌کنند؟
۷. هولوکاست به چه معنی است و آیا واقعاً یک حادثه تاریخی است که اتفاق افتاده یا یک افسانه است؟
۸. به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولتی به نام اسرائیل چه اشکالی دارد؟
۹. حاکمیت دولتی به نام اسرائیل بر سرزمین فلسطین چه اشکالی دارد؟
۱۰. فلسطین چه اهمیتی دارد که این همه باید برای آن هزینه داده شود؟
۱۱. فلسطینی‌ها افراد ناصبی و دشمن اهل بیت هستند، چرا ما باید از آنان حمایت کنیم؟
۱۲. فلسطینی‌ها در جنگ ۸ ساله، حامی صدام بودند و وجود مجسمه او را در فلسطین دلیل حمایت آنها از صدام است، چطور الان ایران از آنها حمایت می‌کند؟
۱۳. چرا جمهوری اسلامی با تنش با اسرائیل، برای خودش هزینه تولید می‌کند؟

۱۴. وقتی پیروزی حاصل نمی‌شود، چرا کنار نمی‌آیید؟
۱۵. حمله فلسطینی‌ها به اسرائیل چه توجیهی دارد؟
۱۶. کی قرار است بازی جنگ در غرب آسیا (خاورمیانه) تمام شود؟
۱۷. دیدگاه قرآن کریم در باره یهود صهیونیسم چیست؟
۱۸. دیدگاه امام خمینی در باره فلسطین و اسرائیل چیست؟
۱۹. دیدگاه رهبر معظم انقلاب در باره فلسطین و اسرائیل چیست؟
۲۰. انقلاب اسلامی برای ملت فلسطین چه دستاوردهایی داشته است؟
۲۱. با توجه به این که ما در داخل کشور مشکلات زیادی داریم، چرا به مردم فلسطین کمک می‌کنیم؟ (چراغی که بر خانه رواست بر مسجد حرام است)
۲۲. وظیفه کشورهای اسلامی در قضایای فلسطین چیست؟
۲۳. وظیفه مسلمانان در قضایای فلسطین چیست؟
۲۴. بعد از نابودی اسرائیل چه تضمینی وجود دارد که اسرائیل دیگری بوجود نیاید؟
۲۵. اهداف «طوفان الاقصی» چیست؟
۲۶. نتایج و دستاوردهای عملیات «طوفان الاقصی» با این همه خسارت و شهید چیست؟
۲۷. مرز حق و باطل در قضایای فلسطین و اسرائیل کجا است؟
۲۸. آینده جهان بعد از نابودی رژیم صهیونیستی چگونه خواهد بود؟
۲۹. آیا عملیات «طوفان الاقصی» در تغییر «نظم نوین جهانی» تأثیر دارد؟
۳۰. چگونه عملیات «طوفان الاقصی» در مسیر تمدن سازی و ظهور است؟

۱. صاحبان اصلی سرزمین فلسطین و بیت المقدس چه کسانی هستند؟

برای پاسخ به این سوال، بایستی نگاهی گذرا به جغرافیای سرزمین فلسطین و بیت المقدس و تاریخ فلسطین داشته باشیم و با دین فلسطینیان آشنا شویم.

جغرافیای فلسطین

فلسطین سرزمینی عربی اسلامی، با وسعت ۲۴۰۲۷ کیلومتر مربع می‌باشد که از غرب به دریای مدیترانه، از شمال به جمهوری لبنان، از شرق به کشور اردن و جمهوری سوریه و از جنوب به شبه جزیره سینا محدود است. فلسطین، قلب سرزمین‌های عربی و پلی میان کشورهای عربی آسیا و کشورهای عربی آفریقا و در حقیقت پلی میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و به لولای سه قاره و قلب جهان اسلام مشهور است.

تاریخ فلسطین

حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، چند قبیله عربی از جزیره العرب به دلیل امتیازات جغرافیایی، به منطقه فعلی فلسطین مهاجرت کردند و در آن جا ساکن شدند و به «کنعانیان» مشهور گردیدند. این گروه ساکنان اصلی فلسطین محسوب می‌شوند و سرزمین فلسطین به واسطه آنان توسعه یافت و به نام «ارض کنعان» لقب گرفت و پس از آن بخاطر نام فیلیستا که یکی از قبایل مشهور «کنعانیان» بود به نام فلسطین شهرت یافت.

«کنعانیان» با اشتغال به کشاورزی، دامپروری و تجارت، در پی‌ریزی این تمدن کهن تلاش نمودند و قریب به ۲۰۰ شهر از جمله شهرهای معروف قدس، نابلس، غزه و فیلیستا را بنا کردند.

پس از «کنعانیان» و «فلسطینیان»، «عبرانیان» به رهبری حضرت داوود و حضرت سلیمان در این سرزمین حکومت خود را تشکیل دادند و پس از حضرت اسحاق، حضرت یعقوب به پیامبری رسید که به اسرائیل معروف بود و فرزندان وی به بنی اسرائیل مشهور شدند.

با ظهور و گسترش اسلام، منطقه شامات، که فلسطین بخشی از آن بود، تحت تصرف حکومت اسلامی درآمد و در دوره‌های بعد، بنی امیه، بنی عباس، فاطمیان و سلجوقیان بر فلسطین حاکم شدند.

در عهد خلفای بنی امیه، فلسطین تابع دمشق شد و یکی از آثار بزرگی که از آن زمان مانده، قبة الصخره^(۲) است که به دستور عبدالملک مروان در ۶۹۱ میلادی ساخته شد و مسجد الاقصی در جوار قبة الصخره، بنا گردید. مجموع این دو بنا و حیاط وسیع مقابل آن، حرم شریف بیت المقدس را تشکیل می‌دهد. با وقوع جنگ‌های صلیبی بیش از ۱۰۰ سال فلسطین و بیت المقدس در اختیار صلیبی‌ها بود و صحنه درگیری‌های خونین، میان اروپایی‌ها و مسلمانان شد، تا این که صلاح الدین ایوبی، صلیبی‌ها را شکست داد و یک بار دیگر فلسطین و بیت المقدس در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

۲. قبة الصخره مکانی است که پیغمبر اسلام در شب معراج از مسجد الحرام به آن جا طی الارض نموده و از آن جا به معراج رفتند.

به اعتراف مورخان غربی، صلاح الدین بعد از پیروزی، با مسیحیان و یهودیان به خوبی رفتار کرد و در انتخاب دین، آنان را آزاد گذاشت و از هرگونه قتل و غارت، در سرزمین فلسطین جلوگیری کرد. در آن زمان از جمعیت ۵۰۰ هزار نفری فلسطین فقط ۲۴ هزار نفر یعنی چیزی کمتر از ۵ درصد یهودی بودند.

با روی کار آمدن عثمانی‌ها، فلسطین حدود ۴۰۰ سال تحت حکومت عثمانی‌ها قرار گرفت و در سال پایانی جنگ جهانی اول و به دنبال صدور اعلامیه غیر قانونی و ظالمانه بالفور و با تحریک انگلیسی‌ها قسمت‌های عربی امپراتوری عثمانی که فلسطین قسمتی از آن بود، ضمن استقلال خواهی، به جنگ با نیروهای عثمانی برخاست و سرانجام نیروهای انگلیسی به رهبری ژنرال آلبی پس از فتح مصر در ۹ دسامبر سال ۱۹۱۷ وارد بیت المقدس شدند و این منطقه به اشغال نیروهای نظامی انگلیس در آمد و تا پاییز ۱۹۱۸ همه نیروهای نظامی عثمانی در فلسطین مجبور به تسلیم شدند و این سرزمین پس از تصرف نیروهای نظامی انگلیس، به دنبال قرارداد سایکس پیکو در پایان جنگ جهانی اول و در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۲ توسط جامعه ملل رسماً به قیمومیت انگلستان درآمد.

بر اساس سیاست‌های استعماری انگلیس زمینه مهاجرت یهودی‌های صهیونیست به سرزمین فلسطین فراهم شد و تعدادی از یهودی‌های صهیونیست به سرزمین فلسطین مهاجرت کردند و این روند، تا پایان جنگ دوم جهانی ادامه داشت.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ انگلستان در پی شکست‌های متعدد، اعلام کرد، قصد دارد از فلسطین بیرون برود و اداره آن را به سازمان ملل بسپارد. با این حال در سال ۱۹۴۸ انگلستان، با تغییر شیوه استعماری خود، حکومت بر سرزمین فلسطین را به یک یهودی تبار بنام ... سپرد و در ظاهر، از فلسطین خارج شد تا با استعمار نو به حیات خبیثانه خود ادامه دهد.

حاکم وقت که عامل استعمار نو انگلیس بود، سیر مهاجرت و انتقال یهودیان به فلسطین را تشدید کرد و این امر، موجب قیام و شورش اعراب شد و زد و خورد های بسیاری بین اعراب و مهاجران صورت گرفت.

در این هنگام مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پی شیپنت‌ها و فشارهای سیاسی انگلستان، با صدور قطعنامه‌ای، فلسطین را به سه بخش تقسیم کرد و ۴۳ درصد آن را در اختیار اعراب و ۵۶ درصد آن را در اختیار یهودیان قرار داد و بیت المقدس را بین المللی اعلام کرد.

دین فلسطینیان

بخشی از فلسطینیان با ظهور حضرت موسی علیه السلام و هجرت به سرزمین فلسطین، به دین حضرت موسی گرویدند و بخش عمده‌ی از فلسطینیان از پذیرش دین موسی سر باز زدند و آن تعدادی هم که به دین موسی گرویده بودند در دراز مدت، دین حضرت موسی را تحریف کردند و یهودیت را پایه نهادند و به یهودی معروف شدند.^(۳)

پس از ظهور حضرت مسیح علیه السلام، بخشی از فلسطینیان به دین حضرت مسیح گرویدند و بخش اندکی از یهودیان بر دین تحریف شده حضرت موسی علیه السلام باقی ماندند، تا آن که اسلام ظهور کرد. با ظهور و گسترش اسلام، به منطقه شامات، بیشترین ساکنان سرزمین فلسطین به اسلام گرویدند و به گواه تاریخ در زمان اشغال فلسطین، ۷۰ درصد مردم فلسطین مسلمان و ۲۳ درصد مسیحی و ۷ درصد یهودی بودند.

نتیجه

در نتیجه ملت فلسطین در پی تمامی ادوار گذشته و در طول تاریخ چندین هزار ساله خود، چه قبل از اسلام و چه بعد از ظهور اسلام، ساکنان دائمی سرزمین فلسطین و متعلق به آن سرزمین بودند و از جایی نیامده بودند و به اختیار خود، آزادانه اسلام را پذیرفته بودند. ملت مسلمان فلسطین، همان کسانی هستند که سرزمین فلسطین را تشکیل دادند، آن را آباد کردند و در طول تاریخ پرفراز و نشیب فلسطین، صاحبان اصلی سرزمین فلسطین بودند و هرگز جزء مهاجرین فلسطین به حساب نمی‌آیند. اینان گاهی در قلمرو دین موسی، و گاهی در قلمرو دین عیسی و گاهی در قلمرو دین مبین اسلام قرار داشتند. گرچه گاهی جزء حکومت بنی امیه، گاهی جزء حکومت بنی عباس،

۳. توضیح بیشتر، در پاسخ شماره (۱۷).

گاهی جزء حکومت عثمانی، گاهی در سلطه صلیبیان و گاهی در قیمومیت انگلیس قرار داشتند، اما در آخر، دین اکثر آنان اسلام بوده است.

سرزمین فلسطین از آن ملت فلسطین است، چه بی‌دین و متدین، چه یهودی و مسیحی، و چه مسلمان سنی و شیعی و اگر بپذیریم یهودیان جهان به دلیل این که سرزمین فلسطین، خاستگاه دین حضرت موسی بوده و متعلق به آنان است و باید در این سرزمین جمع شوند؛ باید بپذیریم که سرزمین فلسطین، خاستگاه دین حضرت مسیح و متعلق به مسیحیت هم بوده و آنان باید به این سرزمین هجرت کنند و همچنین باید بپذیریم که خاستگاه دین اسلام و متعلق به مسلمانان هم هست و همه مسلمانان می‌توانند به این سرزمین هجرت کنند. و همچنین باید بپذیریم که سرزمین حجاز، چون خاستگاه دین اسلام بوده است، همه مسلمانان باید به سرزمین حجاز هجرت کنند.

۲. دولت اسرائیل با چه اهدافی تشکیل شده است؟ هدف اول:

سهم کشورهای مسیحی یا مسلمان از دیگر کشورهای جهان بیشتر است و این در حالی است که هیچ کشوری در دنیا به نام یهود ثبت نشده است و رهبران نژادپرست یهود، از دیرباز همواره در آرزوی تشکیل کشوری به نام یهود بوده‌اند. از این رو و در پی تحقق این آرزو، در تشکیل یک کشور رسمی یهودی، دست به تحرکات سیاسی وسیعی زدند و با خرج هزینه‌های گزاف و کمک سرمایه داران و هکچنین سیاسیون و علمای یهود و هم دستی استعمار پیر انگلیس و همراهی شیطان بزرگ آمریکا و لابی سازمان‌های بین‌المللی و در یک کلام نظام سلطه، تحرکات وسیعی برای تشکیل دولت غاصب اسرائیل نمودند.

هدف دوم:

دولت استعماری انگلستان، در طول جنگ جهانی اول و دوم، به این حقیقت رسیده بود که دیگر به وسیله استعمار مستقیم و اشغال و قیمومیت کشورهای منطقه، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و باید با یک چرخش ماهرانه، شیوه

استعماری قدیم خود را به شیوه استعماری نو و جدید تبدیل نماید و بجای تسخیر یک کشور مانند هند یا بخشی از عراق یا ایران و قیمومیت بر آنان، دست نشانده خود را حاکم نماید و با تسلط بر سرمایه‌های بی‌پایان منطقه، به چپاول وحشیانه خود ادامه دهد. از این رو با این هدف، بر ایده «کشور رسمی یهودی» سوار شد.

دولت استعماری انگلستان با استفاده از نفوذ، قدرت و ثروت صهیونیست‌ها و بهره‌برداری از اعتقادات نژادپرستانه آنان، که خود را تنها صاحب و وارث زمین دانسته و برنامه‌هایی برای تسلط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان داشته و دارند را، گزینه مناسبی برای این منظور دانست و تمام تلاش خود را بکار گرفت تا این ایده را عملی سازد. سخنان بایدن رئیس جمهور فعلی آمریکا مؤید این حقیقت است که می‌گوید: اگر اسرائیل نبود، ما برای تأمین منافع خود، آن را ایجاد می‌کردیم.

هدف سوم:

دولت استعماری انگلیس در طول جنگ جهانی اول و دوم به این حقیقت رسیده بود که دیگر در برابر قدرت مبتنی بر دین مبین اسلام، توان مقابله و ستیز ندارد و شکست‌های پی در پی از مرجعیت دینی جهان اسلام همچون میرزای شیرازی^(۴)، سید محمد کاظم یزدی^(۵)، میرزا محمد تقی شیرازی^(۶) و...، ضریات سخت و غیر قابل جبرانی

۴. حضرت آیت الله حاج سید محمد حسن حسینی معروف به میرزای شیرازی، به عنوان پیشوای مسلمین جهان بخاطر دفاع از کیان اسلام و مسلمین در مقابل دشمنان خاصه انگلیس احساس خطر کرد و فتوای تحریم تنباکو را صادر نمود: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله وسلامه علیه است. حرره الاقل محمد حسن الحسینی»

۵. حضرت آیت الله حاج سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی، بخاطر دفاع از کیان اسلام و مسلمین بر علیه اشغال کشورهای اسلامی خاصه عراق و ایران در جنگ جهانی اول، فتوای جهاد داد. «بسم الله الرحمن الرحيم، بر عموم مسلمین واجب است از بذل جان و مال در راه اخراج قوای روس و انگلیس از ایران، هیچ فروگذار نکنند»

۶. میرزای دوم حضرت آیت الله حاج میرزا محمد تقی شیرازی، به عنوان پیشوای مسلمین جهان؛ رهبری انقلاب عراق را به عهده گرفت و بر علیه استعمار انگلیس قیام کرد. بعد از جنگ جهانی اول، استعمار انگلیس می‌خواست نماینده خود را به عنوان رئیس حکومت عراق بر ملت مسلمان عراق تحمیل کند و آن بزرگوار آن را قیمومت استعمار انگلیس بر کشور عراق دانست و با فتوای حرمت حکومت غیر مسلمان به مسلمانان لرزه بر ارکان حکومت استعماری انگلیس افکند «ان المسلم لا یجوز له ان یختار غیر المسلم حاکما» و با فتوای جهاد فصل جدیدی در مبارزات مسلمانان بر علیه

خورده و تمامی منافع او به باد رفته است. در نتیجه باید شیوه خود را تغییر می داد تا اهداف رذیلانه خود را در پوشش یک حکومت در منطقه پیش ببرد و این گونه، قدرت مرجعیت جهان اسلام را خنثی کند. با این هدف تمام تلاش خود را بکار گرفت تا یک رژیم جعلی به نام اسرائیل در منطقه بوجود آورد.

نتیجه

دولت جعلی اسرائیل، با انگیزه نژادپرستی و به منظور ایجاد، گسترش و تحکیم سلطه استکبار و استعمار در این منطقه و با هدف مبارزه با قدرت بلامنازع اسلام ناب محمدی، توسط دولت خبیث انگلیس در منطقه به وجود آمده است. و پس از جنگ جهانی دوم و ضعف دولت انگلیس، توسط آمریکا این حمایت‌ها ادامه داشته و دارد.

۳. بر چه اساسی سرزمین فلسطین برای تشکیل دولت اسرائیل انتخاب شد؟

منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و فلسطین که در حساس‌ترین قسمت این منطقه و در قلب جهان اسلام قرار دارد، به دلایل زیر یکی از مناطق مهم و راهبردی جهان است:

۱. منطقه فلسطین، سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را به هم پیوند زده و یکی از حساس‌ترین نقاط و راه بردی‌ترین منطقه در غرب آسیا و حلقه اتصال شرق و غرب است و به لولای سه قاره جهان مشهور شده است.
۲. یکی از مناطق نفت خیز و سرشار از انرژی است که علاوه بر داشتن ذخایر فراوان اکنون ۴۰ درصد از سوخت کشورهای غربی را تامین می‌نماید.
۳. دارای آب و هوای مساعد و سرزمین حاصل خیز و پر محصول و پربرکت می‌باشد و تنوع محصولات نباتی و زراعی بسیاری دارد.

استعمار و اجانب گشود. «بر مردم عراق استیفای حقوق خود واجب است، در خلال اقدامات خود، صلح و امنیت را در نظر داشته باشند، اما در صورتی که دولت انگلیس از پذیرفتن پیشنهادهای آنان سرباز زند، مردم می‌توانند از سلاح استفاده کنند و با دشمن خود بجنگند.»

۴. مهد تمدن و خاستگاه ادیان توحیدی و ابراهیمی و به خصوص آخرین دین الهی اسلام است که داعیه دار هدایت و مدیریت شایسته جهان و زمینه ساز ظهور منجی و مصلح جهانی است و قلب جهان اسلام به حساب می‌آید.

۵. منطقه غرب آسیا، همواره خاستگاه حرکت‌های اصلاحی و انقلابی جهان اسلام و زمینه ساز مبارزه با استعمار و سلطه جهانی بوده و از این رو از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است

۶. بر اساس اعتقاد پیروان ادیان الهی منطقه غرب آسیا، مبدأ ظهور منجی و مصلح جهانی است که کتب آسمانی وعده آن را داده و هریک از پیروان ادیان، منجی و مصلح جهانی را از آن خود می‌دانند.

نتیجه

با توجه به امتیازات ذکر شده، تسلط بر این منطقه از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و باورهای دینی و اعتقادی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر این اساس از دیرباز کشورهای سلطه‌گر و استعماری، بر آن طمع کرده و برای دستیابی و استیلای به منافع و منابع آن، دست به هر جنایتی زده‌اند و سعی داشته‌اند به شیوه‌های مختلف نفوذ و سلطه خود را بر این منطقه گسترش دهند.

۴. دولت اسرائیل چگونه تشکیل شد؟

عقاید خرافی، انحرافی و خطرناک یهود^(۷) و اقدامات ضد انسانی و نژادپرستانه این قشر، در کشورهای مختلف جهان، سبب بروز مشکلات بسیار و زمینه ساز ناسازگاری با دیگران شده بود. از این رو از سوی مردم جهان طرد شده بودند ولی از آن جایی که خصلت پول دوستی و ثروت اندوزی آنان را ثروتمند و متمول کرده بود، در نهادهای عمومی در دولت‌های مختلف اروپایی نفوذ کرده و با ثروت‌های کلانی خود، آنان را در راستای سیاست نژادپرستانه همراه کردند.

۷. توضیح بیشتر در پاسخ سؤال (۶).

بر این اساس با تشکیل آژانس یهود (صهیونیسم) و حمایت قدرت‌های سلطه‌گر روز، به خصوص انگلیس که به دنبال ایجاد یک پایگاه، در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) بود؛ به فکر ایجاد یک کشور مستقل یهودی افتادند.

از این رو در سال ۱۸۹۶ میلادی «تئودور هرتزل» خبرنگار و نویسنده یهودی که وی را پدر صهیونیسم سیاسی می‌نامند، در اتریش کتابی تحت عنوان «دولت یهود» منتشر کرد. وی در این کتاب از تشکیل یک دولت یهودی دفاع کرده و به افکار عمومی غرب برای استقبال از جنبش صهیونیستی، یک زمینه فکری داد.

ابتدا این ایده، با مخالفت بسیاری از یهودیان خاصه علمای یهود مواجه شد چرا که ایشان بر اساس منویات کتاب آسمانی خود معتقد بودند که قوم یهود به دلیل مخالفت‌های خود با حضرت موسی، محکوم به آوارگی هستند و چنین ایده‌ای عملی نخواهد شد. اما پس از رایزنی‌های بسیار و تحرکات بی‌شمار، زمینه این ایده فراهم شد.

بر این اساس هرتزل در تاریخ ۲۹ اوت ۱۸۹۷، نخستین کنگره صهیونیستی در شهر بال سوئیس را پایه‌ریزی نموده و پروتکل‌های صهیونیسم در بین سران یهود، که در آن جا جمع شده بودند به تصویب رسید و می‌توان گفت صهیونیسم سیاسی در آن کنگره تولد یافت و تشکیل دولت اسرائیل در یکی از کشورهای هند، آرژانتین، قبرس، کلمبیا و فلسطین پیشنهاد گردید اما به دلایل سیاسی و امتیازهای بی‌شماری که منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) برای صهیونیست و استعمار انگلیس داشت، کشور فلسطین برای تحقق «دولت یهود» انتخاب گردید.

از آن جایی که یهودیان در آلمان بیش از سایر کشورها نفوذ سیاسی و آزادی عمل داشتند لذا هرتزل ابتدا سعی کرد از طریق دولت آلمان نظر سلطان عثمانی را برای اسکان یهودیان در فلسطین جلب نماید، لکن همراهی مورد نظر، به دلایل متعدد سیاسی از جمله اعلام جهاد مسلمین علیه مهاجمین خارجی، با موفقیت مواجه نگردید.

به همین دلیل یهودیان خود را به دامن انگلستان انداختند. در مذاکراتی که سران یهود با «سایکس» نماینده انگلستان داشتند به او اطمینان دادند که در «جامعه ملل» از تحت الحمایگی فلسطین از طرف انگلستان دفاع خواهند کرد. از سوی دیگر به «سایکس» قول اعطای هر گونه و هر اندازه وام را دادند و نیز متعهد شدند که دولت

ایالات متحده آمریکا را برای دخالت در جنگ به سود متفقین و علیه آلمان تحت فشار بگذارند. این اقدامات در واقع زمینه را برای انتشار «اعلامیه بالفور» در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ آماده کرد.

«بالفور»، وزیر خارجه وقت انگلستان طی نامه‌ای که به «اعلامیه بالفور» شهرت یافت، خطاب به لرد روچیلد از سران صهیونیست، مژده تشکیل وطن ملی یهود را داد. در این اعلامیه آمده بود: «نظر به علاقه خاصی که دولت انگلستان به تشکیل وطن ملی یهود در فلسطین دارد، برای نیل به این هدف و تسهیل وسایل آن کوشش خواهد کرد».

پس از صدور «اعلامیه بالفور» نیروهای نظامی انگلیس، در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ دقیقاً ۳۷ روز پس از صدور اعلامیه، بیت المقدس را اشغال کردند و تا پاییز ۱۹۱۸ توانستند همه نیروهای نظامی عثمانی در فلسطین را مجبور به تسلیم کرده و سراسر سرزمین این کشور را به تصرف خویش درآورند.

در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۲ قیمومیت انگلستان بر فلسطین رسماً توسط «جامعه ملل» به تصویب رسید. در طی دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ میلادی، سران یهودی در ارتباط نزدیک با دولت بریتانیا مقدمات مهاجرت یهودیان و تصرف زمین‌های اعراب محلی را به وجود آوردند. و با واگذاری حکومت از سوی انگلستان به یک یهودی، مهاجرت و انتقال یهودیان به فلسطین شدت گرفت و این امر، موجب قیام و شورش اعراب شد و زد و خوردهای بسیاری بین اعراب و مهاجران صورت گرفت.

حاکم یهودی منصوب دولت انگلیس در فلسطین شرایط را برای تاخت و تاز سازمان‌های نوظهور صهیونیستی و تاراج مایملک مسلمانان، بوسیله یهودیان مهاجر فراهم ساخت و این در حالی بود که صدای مظلومیت صاحبان فلسطین در بحبوحه تفرقه حاکمان عرب در بلاد تجزیه شده عثمانی، به گوش کسی نمی‌رسید.

نخستین قیام خونین فلسطینیان با تقدیم ۳۵۱ شهید و دستگیری عده زیادی از مبارزین، با آتش سلاح صهیونیست‌ها و سربازان انگلیسی در سال ۱۹۲۹ در هم کوبیده شد. پدر مبارزات سازمان یافته و آزادیبخش فلسطین، شیخ عزالدین قسام پس از ۱/۵ دهه مبارزه با صهیونیست‌ها سرانجام به همراه جمعی از یارانش در ۱۹ نوامبر ۱۹۳۵

به شهادت رسید. پس از وی نیز دیگر رهبران جهاد فلسطین نظیر عبدالقادر حسینی و حسن سلامه سرنوشتی مشابه داشتند و بوسیله نیروهای انگلیسی و تروریست‌های صهیونیست تحت الحمایه آنان به شهادت رسیدند.

علیرغم مخالفت اعراب و مبارزات مردم و مجاهدان فلسطینی، در پرتو حمایت انگلستان، مهاجرت یهودیان به فلسطین که از چند سال پیش آغاز شده بود، سرعت بیشتری پیدا کرد، به طوری که در سال ۱۹۴۶ میلادی از جمعیت دو میلیون نفری فلسطین، بیش از ۶۰۰ هزار نفر آنها را یهودیان تشکیل می‌دادند و این در حالی بود که تعداد یهودیان در سال ۱۹۱۸، حدود ۵۶ هزار نفر بود.

به موازات ازدیاد جمعیت یهودیان در فلسطین و بالاگرفتن قدرت سیاسی آنها در منطقه، صهیونیست‌ها یک نیروی خود مختار و یک ارتش سری به نام «هاگانا» تشکیل دادند تا با ترور مبارزان و مجاهدان، مخالفت‌ها را در هم بکوبند و همه فلسطینیان را در برابر حاکمیت تسلیم کرده یا آنان را از صحنه مبارزه و مخالفت خارج نمایند.

بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ انگلستان اعلام کرد سال بعد، از فلسطین بیرون خواهد رفت و اداره آن را به سازمان ملل خواهد سپرد. در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای فلسطین را به سه بخش، تقسیم کرد. ۴۳ درصد آن را در اختیار عرب‌ها و ۵۶ درصد آن را در اختیار یهودیان قرار داد و بیت المقدس را نیز بین المللی اعلام کرد و این گونه صهیونیست‌ها با کمک انگلیسی‌ها و قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر نواحی مختلفی از فلسطین مسلط شدند.

زمانی که قیمومت بریتانیا بر فلسطین در ۱۵ مه ۱۹۴۸ به پایان رسید، یک روز قبل از انقضای قیمومیت بریتانیا، صهیونیست‌ها یک شورای موقت حکومتی مرکب از ۳۸ عضو، تأسیس کردند و آن شورا، کابینه‌ای ۱۳ نفره را انتخاب نمود و همان روز «دیوید بن گوریون» رئیس آژانس یهود، که بعد عهده دار مقام نخست وزیری و وزارت دفاع شد؛ تأسیس یک دولت یهودی بنام اسرائیل، در سرزمین فلسطین را اعلام کرد.

بلافاصله بعد از این اعلام، دولت‌های ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، اسرائیل را به رسمیت شناختند و این در حالی بود که نه تنها یک نظرسنجی ساده یا یک رای گیری عادی از ساکنان اصلی فلسطین به عمل نیامد، بلکه ملت فلسطین همواره با اعتراضات، مقاومت و مبارزاتشان، مخالفت خود را با تشکیل حکومت اسرائیلی، اعلام کرده اند.

۵. آیا این گفته صحیح است که مردم فلسطین خود زمین‌هایشان را به یهودی‌ها فروخته‌اند، پس دیگر حقی ندارند؟

این شبهه برای توجیه اشغال سرزمین فلسطین و انحراف افکار عمومی در جهان به خصوص کشورهای اسلامی، توسط رسانه‌های صهیونیستی مطرح شده است و حقیقت چیز دیگری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱. تا قبل از جنگ جهانی اول و شکست و تجزیه امپراتور عثمانی، یهودیان ساکن فلسطین که به صورت مسالمت آمیز در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند؛ تنها ۱/۵ درصد زمین‌های فلسطین را در اختیار داشتند ولی پس از قیمومیت انگلیس بر فلسطین، بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۸، قوانین سخت‌گیرانه و مالیات‌های سنگین روی زمین‌های فلسطینی‌ها وضع شد به گونه‌ای که فلسطینی‌ها مجبور شدند، بخشی از زمین‌های خود را بفروشند تا بتوانند مالیات زمین‌های خود را پردازند و در سال‌های بعد زیر بار مالیات کمتری بروند و این در حالی بود که بعضی از فلسطینی‌ها که پرداخت مالیات‌های سنگین ظالمانه را نپذیرفتند زمین‌های آنان، به زور مصادره گردید.

۲. بخشی دیگر از زمین‌های فلسطین، با زد و بند فئودال‌ها که عمده آنان خارج از فلسطین بودند؛ به یهودیان فروخته شد.

۳. بخشی دیگر از زمین‌های فلسطین، را انگلیسی‌ها از زمین‌های دولتی و عمومی و مراکز نظامی که در اختیارشان بوده به یهودی‌ها واگذار کردند.

۴. بخش دیگر از زمین‌های فلسطینی‌ها، توسط افراد به ظاهر موجه اما مهره‌های وابسته و نفوذی انگلیس مانند سید ضیاء الدین طباطبایی^(۸) به کمترین قیمت خریداری و با پرداخت مبلغ زمین، از مالک سلب تابعیت می‌شد. روش غیرمنطقی، عجیب و ظالمانه‌ای که در هیچ جای دنیا مرسوم نیست که با سلب مالکیت، سلب تابعیت از فرزندانش بشود.

اگر دلائل فوق را نادیده بنگاریم، مگر در سال ۱۹۴۸ و زمان اعلام دولت اسرائیل چند درصد از سرزمین فلسطین در اختیار یهودی‌ها قرار داشت؟ براساس اسناد تاریخی و با تمام اقدامات صورت گرفته و ظالمانه فوق، فقط ۷ درصد از سرزمین فلسطین در اختیار یهودیان بوده است

یکی از دلایل مهم قیام‌ها و شورش‌های مردم فلسطین بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۸، مانند قیام شیخ عزالدین قسام، همه در اعتراض به همین تصرف‌ها و تصاحب زمین‌ها و اعطای زمین‌های دولتی توسط انگلیس به یهودی‌ها بوده است.

در کجای دنیا فروش زمین یک هم وطن، سلب تابعیت از او می‌کند؟ و در کجای دنیا، خرید زمین توسط مهاجرین، مجوز حکومت برای مهاجرین می‌گردد؟ آری شاید مالکیت مهاجرین، تحت قوانین رسمی کشور، باعث تابعیت بشود، اما مجوز حکومت نمی‌شود و اگر خرید و فروش مهاجرین مجوز حکومت شود پس باید قبول کنیم که حکومت ترکیه باید به ایرانیان زیادی که در آنجا زندگی می‌کنند و حکومت عربستان هم باید به بنگلادشی‌های بسیار زیادی که مقیم عربستان هستند، واگذار شود.

نتیجه

براساس آمار اسناد ملی فلسطین و دفاتر رسمی ثبت، فلسطینیان با درک موقعیتی که برای آنها ایجاد شده بود، هرگز زمین‌های خود را به یهودیان نفروختند. و تنها از مجموع اراضی ۲,۷ میلیون هکتاری فلسطین، حدود ۱٪ از کل زمین‌های فلسطین به اشکال مختلف به یهودیان فروخته شده است و این در حالی است که عمده سرزمین

۸. سید ضیاء الدین طباطبایی فرد ایرانی بود که به عنوان مهره انگلیس فعالیت داشت و در کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ در ایران و روی کار آمدن رضاخان، نقش بسیار مهمی داشته است.

فلسطین، به زور و با کشتار و غارت به تصاحب صهیونیست‌ها درآمد و از ملت فلسطین سلب تابعیت گردید.

۶. چرا انگلیس و آمریکا برای سلطه خود بر منطقه، از صهیونیست‌ها استفاده می‌کنند؟

استفاده انگلیس و آمریکا از صهیونیست‌ها، برای سلطه بر منطقه غرب آسیا (خاور میانه) به دلیل اعتقادات و افکار نژادپرستانه، انحرافی و خطرناک صهیونیست‌ها و همچنین بخاطر پروتکل و تاکتیک‌ها و برنامه‌های خاخام‌های صهیونیست، به منظور تسخیر جهان است.

الف: اعتقادات و افکار نژادپرستانه، انحرافی و خطرناک صهیونیست

صهیونیست‌ها با افکار انحرافی مانند داعش، بهترین وسیله برای سلطه استعماری انگلیس و آمریکا بر منطقه هستند. در حقیقت اسرائیل، همان داعش سرکوب نشده ۷۵ سال پیش است و به تعبیر یهودیان اصیل: نسبت صهیونیست به یهودیان، مانند نسبت داعش به مسلمانان است. بر این اساس است که انگلیس و آمریکا برای پیشبرد اهداف خود از اسرائیل استفاده کرده و می‌کنند. برای روشن شدن موضوع به بخشی از اعتقادات انحرافی و خطرناک صهیونیست اشاره می‌شود:

۱. هر چه غیر یهودی دیدید به اندازه‌ای که در توان شماست به قتل برسانید هرچند صالح و نیکوکار باشد. اگرچنین امری در توان یک یهودی باشد و انجام ندهد مرتکب خلاف شده است؛
۲. به قتل رساندن غیر یهودی ثواب دارد حال اگر کسی نمی‌تواند او را بکشد حداقل مقدمات قتل او را فراهم کند؛
۳. چون اهل یهود مساوی با عزت الهیه هستند، تمامی دنیا و مافی‌ها ملک آنان بوده و حق تسلط کامل بر آن را دارند؛
۴. تعدی کردن به ناموس غیر یهودی بلامانع است زیرا گفار مانند حیوانات هستند و حیوانات را زناشویی نیست و یهودی حق دارد زنان غیر مؤمنه (زنان غیر یهودی) را به غصب برباید و هرگونه عملی با آنان عقاب و کیفری ندارد؛
۵. دزدی از یهودی حرام و از غیر یهودی جایز است؛
۶. نطفه‌ای که از غیر یهودی منعقد می‌شود نطفه حیوان است؛
۷. خانه‌های غیر یهودی به منزله طویله است؛

۸. هرگاه یهودی و اجنبی شکایت داشته باشند باید حق را به جانب یهودی داد اگر چه بر ناحق باشد؛
۹. ربودن اموال دیگران به وسیله ربا مانعی ندارد زیرا خداوند شما را به ربا گرفتن از غیر یهودی امر می‌فرماید؛
۱۰. به کسانی که یهودی نیستند قرض ندهید مگر آن که نزول بگیریید در غیر این صورت قرض دادن به غیر یهودی جایز نیست؛
۱۱. ما ملت برگزیده خداوند هستیم و بدین سبب برای ما حیواناتی انسانی خلق کرده است زیرا خدا می‌دانست که ما نیاز به دو نوع حیوان داریم؛ یکی حیوانات بی‌شعور و غیر ناطقه مانند چهارپایان و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان؛
۱۲. بر یهود لازم است، که املاک دیگران را خریداری کند تا آنها صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهود باشد؛
۱۳. کشتن مسیحی از واجبات مذهبی ما است و پیمان بستن با او، یهودی را ملزم به اداء نمی‌کند؛
۱۴. همچنان که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارند؛
۱۵. سگ افضل از غیر یهودی است، زیرا در اعیاد باید به سگ نان و گوشت داد، ولی نان دادن به اجنبی حرام است؛
۱۶. اجانب، دشمن خدا هستند و مثل خوک قتلشان مباح است؛
۱۷. اجانب برای خدمت کردن یهود به صورت انسان خلق شده‌اند؛
۱۸. حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است، چه رسد به اموال آنان، پس هرگاه غیر یهودی احتیاج به پول داشته باشد آن قدر باید از او نزول گرفت تا تمام دارائی خود را از دست بدهد؛
۱۹. حرام است غیر یهودی را نجات بدهید، حتی اگر در چاهی بیفتد باید فوراً سنگی بر در آن گذاشت؛
۲۰. اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل این است که در راه خدا قربانی کرده‌ایم؛
۲۱. اگر یک نفر یهودی کمکی به غیر یهودی بکند گناهی نابخشودنی مرتکب شده است؛
۲۲. اگر غیر یهود در دریا در حال غرق شدن است، نباید نجاتش داد؛
۲۳. بر یهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کنند و دعا کنند تا خداوند آنها را نابود سازد بر ما لازم است که با نصاری، مانند حیوانات معامله کنیم.

این عناوین بخشی از اعتقادات انحرافی و خطرناک صهیونیست است که برگرفته از کتاب «تلمود» شرح و تفسیر تورات در تعلیم دیانت و آداب یهود آمده و در نزد یهودیان صهیونیست ارزشی کمتر از تورات ندارد.

ب: پروتکل و تاکتیک‌ها و برنامه‌های خاخام‌های صهیونیست

واژه پروتکل معانی مختلفی دارد، از جمله: پیش نویس قرارداد، معاهده یا سند رسمی که بین دو یا چند دولت امضا می‌شود. اما در اصطلاح به معنای تصمیم‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که از سوی جمعی از خاخام‌های یهودی به منظور تسخیر عالم طراحی شده است. این پروتکل‌ها که در ۲۴ بند تنظیم شده (البته در برخی چاپها به ۲۷ بند و بیشتر نیز رسیده) در اولین کنگره صهیونیست‌ها در شهر بال سوئیس (۱۸۹۷ میلادی) از سوی سران یهود به شرکت کنندگان ارائه شد و در آن راهبردها و برنامه‌ها و تاکتیک‌های یهودیان برای تسخیر جهان به شکل آشکار عرضه شده است.

برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های صهیونیسم در کتاب پروتکل‌های یهود عبارتند از:

۱. هرچه مردم از دین دور شده و به اصطلاح متمدن‌تر شوند به سود ما خواهد بود. باید عقیده خداپرستی را از ذهن مردم دور کرده و آنان را به سوی مادیت سوق دهیم؛
۲. پیروی از علما را ارتجاع و کهنه پرستی جلوه می‌دهیم تا مردم اطراف آنان کنار بروند؛
۳. هر زمان که سوزن «آزادی» را در جسم ملتی فرو کردیم، در حقیقت آن را به ویروس و با آلوده کرده و مقدمات هلاکتش را فراهم آورده‌ایم؛
۴. زمان حکمرانی دین گذشته است و اکنون حکومت از آن طلاست (پول و اموال) و باید به هر وسیله ممکن آن را در قبضه خود داشته باشیم تا راه سیطره ما بر جهان را هموار سازد؛
۵. سیاست نقطه مقابل اخلاق است که باید در آن از حربه‌هایی چون مکر و ریا استفاده کرد، اما فضائل و راستگویی در عرف سیاسی جزو رذایل و ناپسندها شمار می‌آیند؛
۶. به کمک زنان یهودی، مردان غیر یهودی را در عشرت کده‌ها و محله‌های عیاشی به فساد اخلاقی بکشانیم؛
۷. افراد را به اعتیاد به الکل و افراط در نوشیدن مواد سکرآور، بکشید تا نفهمند ما چه می‌کنیم؛

۸. باید از رشوه، نیرنگ و خیانت بدون هیچ تردیدی تا زمانی که اهداف ما را محقق می‌کند، بهره برد؛
۹. شعارهای آزادی، مساوات و برادری سر می‌دهیم تا مردم فریب آن را بخورند و این شعارها را سر دهند تا ما نیز در پس پرده به اهداف خود برسیم؛
۱۰. حتماً باید میان حکام و ملت‌ها شکاف و اختلاف ایجاد کرد تا حاکمان مانند نابینایی که عصایش را گم کرده برای تثبیت قدرتش به ما پناه آورند؛
۱۱. باید بحران‌های اقتصادی ایجاد کنیم تا همه به برکت طلا و اموالی که داریم در مقابل ما سر تسلیم فرود آورند.

۷. هولوکاست به چه معنی است و آیا واقعاً یک حادثه تاریخی است که اتفاق افتاده یا یک افسانه است؟

«هولو» واژه یونانی و به معنای تمام، و «کاست» به معنای سوزادن است و در اصطلاح به کشتار بیش از شش میلیون یهودی در اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم سوزی گفته می‌شود که در جنگ جهانی دوم، از سوی رژیم نازی‌های آلمان و به رهبری هیتلر انجام شده است.

بسیاری از محققین دنیا موضوع هولوکاست را دروغ فاحش صهیونیست‌ها می‌دانند از جمله «روبر فوریسون» که در کتاب «اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقعیت یا افسانه» آن را با اسناد معتبر خود صهیونیست‌ها، ثابت می‌کند که عکس‌هایی متفقین از اجساد اردوگاه «برگن بلسن» مربوط به ضعف و لاغری ناشی از تیفوس بوده و کشتاری درمیان نبوده است و گاز «زیگنون بی» که صهیونیست‌ها مدعی استفاده از آن در اتاق‌های گاز بودند؛ تنها برای ضد عفونی محیط استفاده شده است و کوره‌های به جا مانده که اساساً ظرفیت انهدام در آن سطح را نداشته، با هدف سوزاندن بقایای قربانیان تیفوس احداث شده است.

و از آن مهمتر «دیوید ایرونیگ» تاریخ دان برجسته انگلیسی اظهار می‌دارد: جمعیت یهود آلمانی تبار را در زمان وقوع حادثه، چیزی کمتر از یک میلیون نفر بوده است، پس شش میلیون یهودی قربانی از کجا پیدا شدند؟

۱. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی در اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم سوزی حقیقت دارد! چرا در دادگاه «نورنبرگ» و محاکمه سران نازی، هیچ سخنی از اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم سوزی به میان نیامد؟

۲. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی، حقیقت دارد! چرا صهیونیست‌های آلمان نخستین حزبی بودند که در پی پیروزی حزب ناسیونال سوسیال آلمان نازی به هیتلر پیام تبریک فرستادند؟

۳. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی، حقیقت دارد! چرا سران صهیونیست‌های اروپا با نازی‌ها، دیدارهای محرمانه داشتند و برنامه مشترکی طراحی کردند، برای فشار بیشتر برای کوچاندن یهودی‌های اروپا به فلسطین؟

۴. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی، حقیقت دارد! چرا صهیونیست‌ها با نازی‌ها همدست شدند و برای کوچ دادن آنها به فلسطین، حتی کنیسه‌ها را منفجر می‌کردند و چرا نازی‌های آلمان به درخواست سازمان جهانی صهیونیسم و آژانس یهود، یهودیان را اخراج می‌کردند؟ در واقع یهودیان اولین قربانیان صهیونیست‌ها بودند.

۵. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی، حقیقت دارد! پس چرا غرامت جنگی که دولت آلمان باید به بازماندگان یهودی پرداخت کند؛ به رژیم صهیونیستی پرداخت می‌شود؛ نه بازماندگان حقیقی جنگ؟

۶. اگر کشتار بیش از شش میلیون یهودی، حقیقت دارد! چرا تحقیق و پژوهش پیرامون آن و حتی پرسش از ماهیت و چگونگی وقوع هولوکاست؛ با جریمه‌های نقدی تا سیصد هزار یورو و زندانی شدن تا ده سال مانند نویسنده و محقق فرانسوی «روژه گارودی»، و انفصال از تمامی مشاغل رسمی و علمی و بایکوت شدید همراه است؟

در حقیقت صهیونیست‌ها، این افسانه تاریخی را برای تشکیل رژیم اسرائیل ساخته و پرداخته‌اند و از اساس دروغ است مانند داستان بنی اسرائیل که گفتند یعقوب را سگ در مناره خورد که در حقیقت، یعقوب نبود و یوسف بود، مناره نبود و ته چاه بود، سگ نبود و گرگ بود و اصلاً اصل داستان دروغ بود.

حقیقت این است که از تعداد دو میلیون یهودی، فقط حدود ۳۵۰ هزار یهودی در جنگ جهانی دوم، بر اثر بمباران‌های هوایی ارتش نازی، یا بر اثر بیماری تیفوس، یا به علت درگیری میان متحدین و متفقین کشته شدند و آن هم بخاطر آتش بیارِ معرکه بودنِ یهودیان در هر دو اردوگاه جنگ جهانی بوده است.

۸. به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولتی به نام اسرائیل چه اشکالی دارد؟

به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولتی به نام اسرائیل، اشکال‌های بسیاری دارد که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

۱. غیر قانونی است

به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولت اسرائیل، غیر قانونی و برخلاف همه قواعد حقوق بین‌الملل است، زیرا این دولت بر اساس غصب و اشغال اراضی دیگران، بدون نظر خواهی و رای گیری و قبول ملت فلسطین صورت گرفته است.

۲. غیر دینی است

به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولت اسرائیل، غیر دینی و خلاف شرع است، زیرا فلسطین کشوری اسلامی است که اکثریت آنان مسلمان بوده و هستند و بر اساس اصل قرآنی نفی سبیل و نفی سلطه، حاکمیت غیر مسلمان بر مسلمان جایز نیست. قاعده نفی سبیل و نفی سلطه از قواعد فقهی است و در حقوق و علوم سیاسی اسلام، مورد توافق فریقین شعیه و سنی است.

۳. غیر انسانی است

به رسمیت شناختن و قبول حاکمیت دولت اسرائیل، غیر انسانی است چرا که ۷۵ سال تاریخ این رژیم، پر از جنایت و جنگ علیه بشریت بوده و هست و هرگونه شناسایی و پذیرش آن، به معنای تأیید کشتار بی‌رحمانه ده‌ها هزار انسان بی‌گناه از جمله زن و کودک و غیر نظامی‌ها و نسل‌کشی و شریک شدن در جنایات این رژیم، علیه بشریت است.

۹. حاکمیت دولتی به نام اسرائیل بر سرزمین فلسطین چه اشکالی دارد؟

حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین نه تنها دارای اشکال‌های فراوان است که عین جنایت بر بشریت است که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

۱. یکی از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، جنایات بی‌شمار این رژیم است. آیا ۷۵ سال جنایت و جنگ علیه بشریت و کشتار بی‌رحمانه ده‌ها هزار انسان بی‌گناه از جمله زن و کودک و غیر نظامی‌ها؛ اشکال نیست؟ آیا کشتار بیش از ۱۵ هزار فلسطینی و ۳۵ هزار زخمی در نوار غزه، طی چهل و پنج روز و بمباران بیمارستان‌ها، مدارس و هزاران ساختمان مسکونی و تخریب تمامی زیرساخت‌ها، که یک نسل‌کشی واقعی است؛ اشکال نیست و به تعبیر دیگر،

جنایت نیست؟ آیا به قدرت رسیدن چنین حاکمان وحشی که تجاوز به مال و جان و ناموس غیر از خودشان، جزئی از روش متداول آنان است؛ اشکال نیست و جنایت در حق بشریت نیست؟

۲. یکی دیگر از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، برنامه‌های توسعه طلبانه این رژیم است. برنامه‌های توسعه طلبانه این رژیم از ۷۵ سال پیش تاکنون مبین این واقعیت هست که اسرائیلی‌ها هیچ گاه به آن چه بدست آورده‌اند، بسنده نکرده و نخواهند کرد و شعار نیل تا فرات و سپس سلطه بر جهان، در فرهنگ سیاسی رژیم غاصب صهیونیستی، نهادینه شده است. آیا این اشکال نیست؟ و آیا این برای منطقه خطرناک نیست؟

۳. یکی دیگر از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، تفوق خواهی و برتری جویی استراتژیک این رژیم بر کشورهای منطقه است. این که امریکایی‌ها هیچگاه تسلیحات استراتژیک و جدیدی که امکان برتری نظامی کشورهای منطقه بر رژیم اسرائیل را فراهم کند، به این کشورها نداده است؛ دلیل بر این ادعا است. این که آمریکا طبق توافق آبراهام با دولت ترامپ، که باید جنگنده‌های اف ۳۵ را به امارات متحده عربی تحویل می‌داد و به دلیل مخالفت لابی‌های صهیونیستی؛ عربستان با رژیم اسرائیل، هسته‌ای شدن عربستان بود و این شرط با مخالفت صهیونیست‌ها مواجه شده است. آیا این اشکال نیست؟

۴. یکی دیگر از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، این است که در فرهنگ سیاسی رژیم غاصب صهیونیستی، هر کشور اسلامی، از نگاه این رژیم منحوس، به صورت بالفعل یا بالقوه، یک دشمن محسوب می‌شود و از همین رو هرگونه عادی‌سازی و ایجاد رابطه میان این کشورها با رژیم اسرائیل فقط با هدف مشروعیت یابی اسرائیل و رفع خطر به حساب می‌آید. آیا دشمن شمردن کشورهای اسلامی از سوی رژیم غاصب صهیونیستی، اشکال حاکمیتی نیست؟

۵. یکی دیگر از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، میزان بالای تخلف از مقررات و قوانین بین المللی است. بی‌توجهی این رژیم به ده‌ها قطعنامه صادر شده از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل و همچنین مصوبات شورای حقوق بشر، یونسکو و دیگر ارکان این سازمان، همچنین بی‌توجهی به کنوانسیون‌های ژنو و توهین به رای دادگاه لاهه در خصوص دیوار حائل، به موازات ده‌ها جنگ بزرگ و کوچک علیه کشورهای منطقه و جنبش‌های مقاومت، بخشی از رکوردهای مجرمانه این رژیم منحوس است. بیشترین قطعنامه‌های شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر، علیه رژیم

اسرائیل صادر شده است و بیشترین وتوهای آمریکا، در حمایت از اسرائیل در شورای امنیت صورت گرفته است! آیا این اشکال نیست؟

7. یکی دیگر از اشکال‌های حاکمیت دولت اسرائیل بر سرزمین فلسطین، بی‌توجهی به افکار عمومی جهان است. آن چه رژیم غاصب صهیونیستی در گذشته مرتکب شده است و امروز در غزه جنایت می‌کند و با مخالفت میلیونی مردم آزاده جهان در سه قاره آمریکا، اروپا و آسیا همراه شده است و هرگز به آن وقعی ننهاده است؛ بزرگترین اشکال برای ادامه حیات منحوس این رژیم ددمنش است.

۱. فلسطین چه اهمیتی دارد که این همه باید برای آن هزینه داده شود؟

منطقه فلسطین از جهت‌های مختلف و منظرهای گوناگون دارای اهمیت ویژه است که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

1. منطقه فلسطین، از نظر جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) بسیار منطقه راهبردی مهم و حساس است، به گونه‌ای که قلب جهان به حساب می‌آید و به همین جهت به پل میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و به لولای سه قاره مشهور شده است. نمی‌شود امروز از اقتدار، سخن گفت و این منطقه را نادیده گرفت، تسلط بر این منطقه، تسلط بر سه قاره‌ی مهم جهان به حساب می‌آید. از این رواز بین کشورهای جهان، از اهمیت بی‌ظنری برخوردار است. آرزوی تصاحب و سلطه بر این منطقه از دیرباز تا کنون بین قدرت‌های جهان و جنگ‌های متعدد خانمان سوز بر سر آن، در تاریخ پر فراز و نشیب سرزمین فلسطین، دلیل بر این ادعا است.
2. منطقه فلسطین، یکی از مناطق نفت خیز و سرشار از انرژی است که علاوه بر داشتن ذخایر فراوان، دارای عالی‌ترین و متنوع‌ترین آب و هوای جهان است به صورتی که بیشترین مردم دنیا در آرزوی برخورداری از آب و هوای این منطقه هستند و از آن به عروس منطقه یاد می‌کنند. و همچنین سرزمین حاصل خیز و پر محصول و پر برکت است (بارکنا حَوْلَة) و تنوع نباتات طبیعی و محصولات زراعی بسیاری دارد. به همین دلیل از اهمیت بسیار مهمی برخوردار است.
3. منطقه فلسطین، دارای تمدن چند هزار ساله است، اشیاء به غارت رفته از این منطقه در موزه‌های دنیای غرب، دلیلی بر تمدن چند هزار ساله این سرزمین دارد و آن را با اهمیت کرده است.
4. سرزمین فلسطین، مهد تمدن و خاستگاه ادیان توحیدی و مرکز ظهور و محل بعثت انبیای الهی است. تاریخ نبوت حضرت موسی و حرکت اصلاحی آن بزرگوار، و تاریخ نبوت حضرت عیسی و هدایت اقوام آن دیار و تاریخ نبوت پیامبر گرامی اسلام و

حکومت جهانی اسلام، به این منطقه مقدس، پیوند خورده است به گونه‌ای که سخن در باره ادیان الهی، جدا از این سرزمین نیست. از این رو قرآن کریم از آن، به سرزمین مقدس یاد کرده و آن را سرزمین مبارک و پر برکت از نظر مادی و معنوی می‌داند «الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ» و «بَارَكْنَا حَوْلَهُ».

۵. سرزمین فلسطین، محل تولد، زندگی و دفن انبیای الهی است. سرزمین فلسطین، محل مهاجرت، زندگی و آرامگاه حضرت ابراهیم و محل زندگی و آرامگاه حضرت ساره و محل مهاجرت، زندگی و دفن حضرت لوط و محل زندگی، حکومت و آرامگاه حضرت داوود و محل زندگی، حکومت و آرامگاه حضرت سلیمان و محل زندگی و آرامگاه حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف و حضرت زکریا و محل مهاجرت و زندگی حضرت موسی و محل زندگی و آرامگاه حضرت مریم و محل زندگی حضرت عیسی است که این سرزمین را با اهمیت و مقدس کرده است.

۶. آثار تمدنی بسیاری در سرزمین فلسطین وجود دارد که آن را با اهمیت و مقدس کرده و از دیگر اماکن جهان ممتاز ساخته است مانند: محراب حضرت داوود، محراب حضرت زکریا، محراب حضرت مریم، مسجد الاقصی، به عنوان سومین مسجد و سومین حرم جهان اسلام و قطعه‌ای از بهشت، قبله اول مسلمانان، محل اقامه نماز پیامبر گرامی اسلام با همه انبیا است و از این رو آن را قلب جهان اسلام می‌نامند.

۷. اتفاقات بسیار مهمی در سرزمین فلسطین ثبت شده که آن را با اهمیت و مقدس کرده است و بخشی از آن در قرآن کریم بیان شده است، مانند: نزول مائده آسمانی برای حضرت مریم، وضع حمل حضرت مریم، پذیرایی حضرت مریم، تولد حضرت عیسی، حکومت حضرت سلیمان بر جهان، تکلم مورچگان با حضرت سلیمان، نامه حضرت سلیمان به ملکه سبا، انتقال تخت بالقیس، مذاکره حضرت سلیمان با بالقیس، ایمان ملکه سبا به حضرت سلیمان، داستان یاجوج و ماجوج، عروج حضرت عیسی، طی الارض پیامبر گرامی اسلام و محل معراج پیامبر گرامی اسلام.

نتیجه

تمدن، تاریخ، جغرافیا، آثار، حوادث، وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متعلق به سرزمین فلسطین، این سرزمین را با اهمیت، مقدس، مبارک و ریشه‌دار کرده است و این میراث گران‌بها، متعلق به بشریت است و وظیفه همه بشریت است که از این میراث گران‌بها حفاظت و صیانت نمایند و بر این وظیفه به خود ببالد و افتخار کند.

۱۱. فلسطینی‌ها افراد ناصبی و دشمن اهل بیت هستند، چرا ما باید از آنان حمایت کنیم؟

اکثریت فلسطینی‌ها اهل سنت و شافعی مذهب و نزدیک‌ترین فرقه به شیعیان هستند و از محبان اهل بیت علیهم السلام بشمار می‌آیند و بر همین اساس اکثر مساجد فلسطین بنام حضرت امیر، حضرت امام حسن، حضرت امام حسین، و حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام است و در بین اسامی فرزندان آنان، نام های مبارک علی، زهرا، فاطمه، رقیه، حسن و حسین بسیار دیده می‌شود و حتی در پی حوادث اخیر، همه دیدید مادری که فرزندانش شهید شده بودند در مقام ابراز احساسات گفت: فرزندانم تقدیم پیامبر و فدای حسن و حسین، آیا اینان ناصبی هستند؟

البته ممکن است در بین آنها ناصبی هم وجود داشته باشد اما قاطبه آنان دوستدار و محب اهل بیت هستند. مگر در ایران ناصبی نداریم، مگر آن تعداد اندکی که از ایران عضو داعش بودند، ناصبی نبودند؟ آیا می‌توان گفت مردم ایران ناصبی‌اند؟ یا داعشی هستند؟

نکته مهم‌تر این که در این مبارزه، قبل از آن که موضوع حمایت از ملت فلسطین مطرح باشد، موضوع مبارزه با جرثومه کثیف و نطفه ناپاک اسرائیل مطرح است و در این مبارزه باید به ملت فلسطین دست‌مریزاد گفت که با هر دین و مسلکی در برابر این جرثومه کثیف و غده فراگیر سرطانی، ایستاده‌اند تا بیش از این پیشروی نکنند.

۱۲. فلسطینی‌ها در جنگ ۸ ساله، حامی صدام بودند و وجود مجسمه او را در فلسطین دلیل حمایت آنها از صدام است، چطور الان ایران از آنها حمایت می‌کند؟

صدام، مانند جمال عبدالناصر، به ظاهر روحیه پان عربیسم داشت و ادعا می‌کرد که دنبال متحد کردن اعراب است از این رو در جهان عرب محبوبیت نسبی پیدا کرده بود و از آن جایی که در زمان حمله و اشغال کویت چندین موشک به سوی اسرائیل پرتاب نمود^(۹) طبیعی بود که بخشی از مردم فلسطین در آن زمان دیدگاه مثبتی نسبت

۹. در آن زمان بعضی از افراد ساده لوح در ایران می‌گفتند: حال که صدام در مقابل اسرائیل قرار گرفته است ما باید از او حمایت کنیم.

به او داشته باشند و وقتی ماهیت و چهره حقیقی صدام روشن شد، بسیاری از اعراب و مردم فلسطین، دیدگاهشان عوض شد. و این نکته حائز اهمیت است که در دفاع مقدس ما رزمنده و شهید فلسطینی داشتیم.

از همه مهمتر این که، مجسمه صدام در کرانه باختری نصب شده که در اختیار حکومت خودگردان است و حکومت خودگردان و رئیس آن محمود عباس علی رغم این که به ظاهر خود را در تقابل با اسرائیل نشان می‌دهد ولی در عمل یکی از متحدین اسرائیل و فرد بهایی و بهایی زاده است که بیشترین خیانت را به جریان مقاومت از جمله حماس، جهاد اسلامی و اهالی غزه و مردم مبارز فلسطین نموده و دستش به خون مردم مظلوم و بی‌گناه حماس و غزه آلوده است و در حقیقت به عنوان عامل آمریکا و اسرائیل در فلسطین اشغالی عمل می‌کند و جزء منفورترین افراد در بین فلسطینی‌ها است و نقش او همانند نقش مسعود رجوی خائن است که در زمان جنگ تحمیلی در خدمت صدام قرار گرفتند و بیشترین خیانت را به کشور کرد. حال می‌شود همکاری با صدام ملعون را به مردم ایران نسبت داد؟

۱۳. چرا جمهوری اسلامی با تنش با اسرائیل، برای خودش هزینه تولید می‌کند؟
با دقت در پاسخ سوال‌های قبل و توضیحاتی که پیرامون چگونگی تشکیل و اهداف دولت اسرائیل بیان شد، مشخص گردید که

اولاً: قیومیت انگلیس و واگذاری حکومت بر سرزمین فلسطین به یک یهودی تبار و سیر مهاجرت و انتقال یهودیان به فلسطین و در نهایت اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل رژیم جعلی و غاصب؛ تنش در منطقه را ایجاد کرده است و این تنش‌ها همه، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است و کاری به جمهوری اسلامی ندارد.

ثانیاً: رسمیت شناختن رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی توسط انگلیس و آمریکا در سال ۱۹۴۸ میلادی در سازمان ملل متحد و بی‌توجهی به آرای ملت فلسطین؛ دست این رژیم سفاک را برای هر جنایتی در منطقه باز گذاشته است و این قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است و کاری به جمهوری اسلامی ندارد.

ثالثاً: رژیم جعلی صهیونیستی با تجاوزات و جنگ و جنایت در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۳، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۱۹۷۸ و تهاجم به فلسطین، سوریه، مصر، اردن، لبنان و محاصره بیروت و اشغال جنوب لبنان؛ تنش را گسترش داده است و همه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است و کاری به جمهوری اسلامی ندارد.

رابعاً: رژیم جعلی صهیونیستی در ۴۵ ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در صدها توطئه و تهاجم، علیه ایران اسلامی و منطقه، شرارت آفرین بوده و هست، مانند: تحریک صدام در جنگ تحمیلی بر علیه ایران اسلامی، جنگ ۳۳ روزه بر علیه لبنان، جنگ‌های ۵۱ روزه، ۲۲ روزه، ۱۱ روزه و ۸ روزه بر علیه غزه، حمایت همه جانبه از داعش، حمایت همه جانبه از تحریم‌های آمریکا بر علیه مقاومت، ترور ده‌ها رهبران مبارز لبنانی و فلسطینی، راه‌اندازی جنگ رسانه‌ای و جنگ شناختی بر علیه مردم منطقه، توطئه بر علیه قیام‌های مردمی در منطقه و ده‌ها موارد دیگر؛ اقدام‌های متجاوزانه و خلاف قواعد و حقوق بین‌الملل است که توسط رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی، صورت گرفته و اصلی‌ترین دلیل تنش، در منطقه است.

خامساً: بی‌توجهی این رژیم به ده‌ها قطعنامه صادر شده از شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل و همچنین مصوبات شورای حقوق بشر و دیگر نهادهای بین‌المللی، به شکلی که بیشترین قطعنامه‌های شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر، علیه رژیم اسرائیل صادر شده است و بیشترین وتوهای آمریکا، در حمایت از اسرائیل در شورای امنیت صورت گرفته است! همه این موارد حکایت از تنش‌زا بودن رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی در منطقه دارد.

نتیجه

بنابر این جمهوری اسلامی ایران نه تنها در منطقه تنش ایجاد نکرده است، بلکه تمامی اقدامات آن برای تنش‌زدایی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در برابر تنش، تهاجم و جنایت صهیونیست‌ها علیه منطقه و ایران اسلامی؛ یک دفاع مشروع و منطقی را شکل داده و مدیریت کرده است. جمهوری اسلامی بر اساس اصل انسانیت و در چارچوب منافع ملی و اسلامی خود، از ملت مظلوم و ستم دیده فلسطین دفاع کرده و از مبارزات ضد اسرائیلی حمایت می‌کند و آن را وظیفه دینی و انسانی خود می‌داند و آشکارا هم اعلام کرده است که از هر گروه و دولتی که علیه رژیم غاصب، جعلی و نامشروع صهیونیستی اقدام کند؛ پشتیبانی می‌نماید.

۱۴. وقتی پیروزی حاصل نمی‌شود، چرا کنار نمی‌آیید؟

در جواب این سؤال باید به عنوان مقدمه گفت: از زمانی که تئودور هرتزل بنیانگذار رژیم اسرائیل، اقدام عملی خود را برای پروژه اسرائیل در سال ۱۸۹۶ آغاز کرد، تا زمان تأسیس رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸، حدود ۵۲ سال و از زمان تأسیس رژیم اسرائیل تاکنون نیز ۷۵ سال و مجموع آن ۱۲۷ سال می‌گذرد. در این ۱۲۷ سال، تحرکات سیاسی وسیعی صورت گرفته و هزینه‌های بسیار سنگینی صرف شده است، در این میان کمک سرمایه داران، حمایت سیاسیون، تأیید علمای یهود، پشتیبانی و نقشه‌های انگلیس و آمریکا، لابی سازمان‌های بین‌المللی و در یک کلام تمامی توان نظام سلطه برای تشکیل و ادامه حیات رژیم اسرائیل بکار رفته است و به بیان دیگر اسرائیل کنونی نتیجه طرح‌ها، اقدامات و تلاش‌های گسترده صهیونیست‌ها، به همراه پشتیبانی‌های قدرتمند بزرگ جهانی همانند آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و نظام سلطه در طول ۱۲۷ سال است.

اما جواب

اول: سنت حاکم بر آفرینش و قوانین حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی بشر، این است که موفقیت و پیروزی، یک شبه بدست نمی‌آید و حصول آن تدریجی است، آن هم با استفاده از همه امکانات، همه ابزارها و همه ظرفیت‌ها، آن هم با تلاش و کوشش مداوم و با تحمل رنج و مشقت بسیار. حال آیا عاقلانه است، پروژه‌ای که با ۱۲۷ سال تلاش بی‌وقفه و عملیات‌های گسترده و پشتیبانی‌های جهانی، دنبال شده است؛ در چند ماه یا چند سال نابود کرد؟

دوم: نتیجه ۱۲۷ سال تلاش شبانه روزی همه‌ی قدرت‌های نظام سلطه چه بوده است؟ در برابر ۱۲۷ سال تلاش بی‌وقفه و هزینه‌های بی‌حساب، چه چیزی برای اسرائیل، حاصل شده است؟ آیا جز شکست صهیونیست چیز دیگری بوده است؟ آیا جز شکست اسرائیل در تحقق آرزوی نیل تا فرات است؟ و آیا این شکست برای جبهه مقاومت، پیروزی به حساب نمی‌آید.

سوم: باید دید منظور از پیروزی چیست؟ اگر منظور از پیروزی، محو کامل اسرائیل است! که باید گفت: خیانت‌های بعضی در مسیر مبارزه با اسرائیل، آن را به تأخیر انداخته است و ان شاء الله به زودی با اراده الهی و همت نیروهای جبهه مقاومت محقق خواهد شد. و اگر منظور از پیروزی، جلوگیری از تحقق آرزوی نیل تا فرات یا ایجاد خاورمیانه جدید است؛ آن پیروزی محقق شده است و جبهه مقاومت پیروز این میدان است.

اضافه بر این، ملت فلسطین تا دیروز با سنگ مبارزه می کرد، الان از انواع سلاحها برخوردار است. تا دیروز فقط قربانی می شد، الان عملیات پیش دستانه طراحی و اجرا می کند. تا دیروز فقط اسیر می شد و امروز از نظامی های صهیونیست اسیر می گیرد. تا دیروز هر کجا می رفت در کمین دشمن گرفتار می شد، هم اکنون با حفر ۴۰۰ کیلومتر تونل زیرزمینی، تمام غزه را کمینگاه دشمن کرده است. تمام اینها حکایت از پیروزی جبهه مقاومت و ملت فلسطین دارد.

حزب الله لبنان در پایان دادن به اشغال هجده ساله جنوب لبنان، توسط اسرائیل، پیروز شده است و جنگ های ۵۱ روزه، ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۱۱ روزه و ۸ روزه، همه و همه حکایت از پیروزی جبهه مقاومت دارد.

ناکامی آمریکا در بلعیدن عراق از طریق ایجاد حکومت آمریکایی و حاکم کردن یک ژنرال آمریکایی یا یک رئیس غیر نظامی آمریکایی و حتی یک عراقی وابسته به آمریکا؛ یکی دیگر از جلوه های پیروزی مقاومت و ناکامی در تشکیل خاورمیانه جدید است. شکست آمریکایی ها در تسلط بر سوریه از طریق عوامل نیابتی، مانند داعش و النصره، نمونه دیگری از پیروزی مقاومت و شکست تشکیل خاورمیانه جدید است و به تعبیر رهبر انقلاب: موقعیت و پیشرفت امروز فلسطین و حماس و جهاد اسلامی و سایر گروه های مقاومت، قابل مقایسه با ۲۰ سال قبل نیست. که جبهه مقاومت هر روز قوی تر از دیروز و پیروزتر گذشته است.

چهارم: پیروزی گام به گام بدست می آید و جبهه مقاومت و ملت فلسطین در گام های متعدد، پیروز شده است. مقاومت فلسطین در راهکار مبارزه مسلحانه، به عنوان موثرترین راهبرد مواجهه با رژیم اسرائیل، در پایان انتفاضه اول که به عقب نشینی اسرائیلی ها منجر شد، پیروز شده است. در شناساندن و معرفی سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان نماینده قانونی فلسطینی ها در سازمان ملل متحد، پیروز شده است. در پایان دادن به اسکان حدود ۸ هزار شهرک نشین صهیونیست در نوار غزه و کوچ دادن اجباری آنان به مناطق دیگر، پیروز شده است.

پنجم: دفاع از حیات و نوامیس یک ملت مظلوم و ایستادن در برابر دشمن غدار، برای هر انسان آزاده ای لازم و ضروری است، چه آن مدافعان پیروز شوند، چه آن مدافعان شکست بخورند. در حقیقت، نتیجه مبارزه در مسیر آزادی و آزادگی، به یقین پیروزی است گرچه به ظاهر شکست باشد، چرا که شکست در این مسیر، احدی الحسین است و به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) «ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروزیم».

ششم: در طول تاریخ، تجربه نشان داده است که خسارت و هزینه عقب نشینی و سازش و کنار آمدن با دشمن به مراتب بیشتر از مبارزه با دشمن گذار است و آن چه ملت فلسطین را در رسیدن به اهداف خود در مبارزه با اسرائیل عقب انداخته و پیروزی نهایی او را به تأخیر کشانده است؛ سازش و کنار آمدن بعضی از رهبران نالایق آنان با اسرائیل بوده است.

هفتم: عرصه فلسطین و اسرائیل، عرصه حق و باطل است، زیرا عده‌ای اشغالگر، به زور و با پشتیبانی قدرت‌های ظالم، سرزمین فلسطین را اشغال کردند و سازمان ملل، به این اشغال، رنگ مشروعیت بخشید. پس این عرصه، عرصه کنار آمدن و توافق کردن نیست، چرا که نه ظالم را می‌توان با مذاکره به عقب راند و نه طبق دستورات دینی و قاعده نفی سبیل می‌توان حاکمیت غیر مسلمان را پذیرفت. بلکه طبق دستورات دینی و بر اساس اصول انسانی، باید به همان شکلی که اشغالگر و ظالم بر این منطقه مسلط شده، به همان صورت با آنان مواجه شد. حضرت امیر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»؛ سنگ را از آن جا که آمده باید بازگرداند، که شر را جز با شر نتوان راند. «کلوخ انداز را پاسخ، سنگ است».

۱۵. حمله فلسطینی‌ها به اسرائیل چه توجیهی دارد؟

۱. از نظر عقل، شرع، عرف و حقوق بین الملل، دفاع از حقوق مشروع، حق هر انسان و هر ملتی است که مورد تجاوز و ظلم قرار گرفته و سرزمینش اشغال شده است. و از آنجایی که شکل‌گیری دولت غاصب و جعلی اسرائیل بر اشغال سرزمین فلسطین و ظلم و تجاوز نسبت به مردم فلسطین بوده است و این جنایت سالیان متوالی است که ادامه دارد؛ از این رو دفاع از حقوق پایمال شده، حق مسلم آنان است و از آن بالاتر دفاع، وظیفه حتمی آنان است.

۲. ملتی که در طول چندین دهه، در آوارگی به سر برده و حقوقش مدام با ظلم و ستم و تجاوز پایمال شده و هیچ سازمان بین المللی سخنش را نمی‌شنود و برای خواست او وقتی نمی‌نهد؛ چه باید بکند؟ غیر از این است که باید طوفان به راه اندازد؟ این همان حقیقتی است که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت باید منتظر طوفان بود».

۳. عملیات «طوفان الاقصی» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) از سوی فلسطینی‌های جنگ زده، آواره و تحت تحریم‌های ظالمانه، بر علیه رژیم غاصب، جعلی و نامشرع

اسرائیل، یک حق مشروع قانونی و یک جهاد دفاعی از حقوق پایمال شده در طول چند دهه است. و تجربه چندین ساله نشان می‌دهد که مردم مظلوم فلسطین اگر از حقوق مشروع خود دفاع نکنند، به یقین جنایتکاران، وحشی‌تر خواهند شد.

۴. بر اساس اسناد معتبر و اطلاعات به دست آمده و اظهارات خود صهیونیست‌ها، اسرائیل در تدارک محاصره و تهاجم وحشیانه به مردم بی‌پناه؛ برای کوچاندن آنان از باریکه غزه بوده است و قرار بوده است در اواخر ماه نوامبر، رژیم صهیونیستی در عملیات گسترده و همه‌جانبه و با هدف ریشه کن نمودن حماس و تصرف کامل غزه وارد عمل شود و اگر حماس به دفاع پیش‌دستانه، روی نمی‌آورد و به توان، آرایش و برنامه‌های در دست اقدام آنان، ضربه نمی‌زد؛ به یقین خسارت‌های بیشتری در پی می‌داشت و امروز همه آنان از این حداقلی که برایشان مانده بود هم محروم شده بودند. در حقیقت عملیات «طوفان الاقصی» در حمله به اسرائیل، یک دفاع و عملیات پیش‌دستانه برای حفظ حداقل‌های باقیمانده بوده است نه برای احقاق کل حقوق پایمال شده.

۱۶. کی قرار است بازی جنگ در غرب آسیا (خاورمیانه) تمام شود؟

با توجه به اهمیت فوق‌العاده و چندجانبه (سیاسی، جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و دینی) منطقه غرب آسیا، که در سوالات قبلی به آن اشاره شد و به همین دلیل از دیرباز به خصوص قرون اخیر، مورد توجه و طمع کشورهای استکباری و استعماری و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های سلطه‌گرانه آنان قرار گرفته است، برای پایان دادن به جنگ و درگیری در این منطقه حداقل سه کار عمده بایستی انجام گیرد که اجرای هر کدام ارمغانی از صلح، آرامش امنیت و رفاه، رشد و پیشرفت را برای منطقه به دنبال خواهد داشت:

۱. محو اسرائیل

محور شرارت در منطقه یعنی اسرائیل که به تعبیر امام خمینی: غده سرطانی است و پایگاه سیاسی نظامی و امنیتی نظام سلطه در منطقه می‌باشد با توجه به این که از اساس، نامشروع، جعلی و غصبی بوده، ریشه کن گردد و فلسطین به صاحبان و مالکان اصلی آن برگردد.

۲. حذف آمریکا از منطقه

پایگاه‌های نظامی امنیتی آمریکا و کشورهای سلطه‌گر و شیطانی در منطقه، از سلطه آنها و اقدامات شرارت آمیزشان خارج شود (مانند پایگاه‌های آمریکا در عراق،

بحرین، امارات، ترکیه، پاکستان و...) و به دست مردم هر کشور و برای امنیت خودشان و منطقه به کارگیری شود.

۳. ایجاد پیمان امنیتی در منطقه

یک پیمان نظامی امنیتی از کل کشورهای منطقه بر اساس روابط مسالمت آمیز و منافع مشترک، به منظور حفظ صلح و امنیت پایدار، درکنار سایر پیمان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ایجاد شود. در این صورت است که سایه جنگ و ناامنی و شرارت از منطقه رخت برخواهد بست.

۱۷. دیدگاه قرآن کریم در باره یهود صهیونیسم چیست؟

در شرایط کنونی، شناخت دقیق قوم یهود و به ویژه نماد اصلی آن «صهیونیست»^(۱۰) به دلایل سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی برای بشریت و به خصوص برای جهان اسلام، لازم و ضروری است.

بهترین منبع شناخت قوم یهود، قرآن کریم است که در دهها آیه به تاریخ قوم یهود و ویژگی های ذاتی آنان پرداخته است و یکی از عمده ترین مباحث قرآن کریم به حساب می آید.

قرآن کریم اندکی از یهودیان را انسان های مؤمن واقعی معرفی کرده است. اما عمده قوم یهود را انسان های لجوج، عنود، بهانه گیر، نافرمان، عهد شکن و نژادپرست معرفی می کند. عقائد و سخنان شرک آلود، تکذیب و تحریف کتاب الهی، نافرمانی از دستورات الهی، سرپیچی از فرامین حضرت موسی علیه السلام، فرار از جهاد، کفران نعمت های الهی، فساد و سرکشی، کشتار پیامبران، نسبت ناروا به خداوند دادن که دست خدا بسته است و عقاید انحرافی از جمله این که عَزِيز را فرزند خدا دانستند و دهها معصیت دیگر، از گناهان رایج قوم بنی اسرائیل بوده است و بدین سبب تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنده شد «فَاعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^(۱۱)؛ از این رو در میان آنها، تا دامن قیامت، عداوت و دشمنی افکنندیم. و به گواه تاریخ، هنوز

۱۰. منظور از یهود صهیونیسم، یهودی هایی هستند که به نام یهود، با عقاید انحرافی و با نژادپرستی و با جاه طلبی ها، به عناد و دشمنی با ارزش های انسانی و دینی برخاسته اند و در گذشته ادیان الهی را به سخره گرفته و با انبیاء الهی به مخالفت پرداخته و آنان را به قتل می رساندند.

۱۱. سوره مائده آیه ۱۴.

همان رفتار و کردار در جامعه یهودی و قوم بنی اسرائیل، پا بر جا است و تغییری در آن حاصل نشده است.

آیات فراوانی در قرآن کریم، نافرمانی و سرکشی یهود و قوم بنی اسرائیل را بیان کرده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

۱. مورد لعن قرار گرفتن

خداوند تبارک و تعالی برای هدایت و راهنمایی قوم یهود، پیامبران بسیاری فرستاد اما آنان به نافرمانی و مخالفت و اذار و اذیت آنان پرداختند. پیامبران الهی همگی در دوران رسالت خویش همواره از سوی قوم یهود، مورد اذیت و اذار قرار گرفتند و متحمل رنج‌های فراوانی شده‌اند. قوم یهود، چنان دست به دشمنی و عداوت زدند، که مورد لعن خداوند قرار گرفته‌اند، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ^(۱۲)»؛ کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن و نفرین شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می‌نمودند.

۲. سرسخت‌ترین دشمنان

قرآن کریم بخاطر لجالت و دشمنی و کینه‌ورزی قوم یهود نسبت به اهل ایمان، آنان را به عنوان سرسخت‌ترین دشمنان یاد می‌کند و می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ^(۱۳)»؛ به یقین، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود خواهی یافت.

۳. مهر ذلت

خداوند تبارک و تعالی قوم یهود را بخاطر کفر و کشتن انبیا الهی، مهر ذلت و بیچارگی بر آنان زده است در این بار قرآن کریم می‌فرماید: «صُرِّبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيَّنَمَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَصُرِّبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ^(۱۴)»؛ هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا و با ارتباط به مردم. و به خشم خدا، گرفتار شده‌اند؛ و مهر بیچارگی بر آنها زده

۱۲. سوره مائده آیه ۷۸.

۱۳. سوره مائده آیه ۸۲.

۱۴. سوره آل عمران آیه ۱۱۲.

شده؛ چرا که آنها به آیات خدا، کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند. اینها بخاطر آن است که گناه کردند؛ و تجاوز می‌نمودند.

۴. کشتار پیامبران

تاریخ پر ماجرای یهود نشان می‌دهد که آنان علاوه بر انکار آیات الهی، در کشتن پیامبران، فوق العاده گستاخ و سرکش بوده و انبیاء الهی و مجاهدان این راه را از دم تیغ گذراندند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَبِمَا نَفْسِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»^(۱۰)؛ پی بخاطر پیمان شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر این که از روی استهزا می‌گفتند: بر دل‌های ما، پرده افکنده شده و سخنان پیامبر را درک نمی‌کنیم!؛ رانده درگاه خدا شدند. آری، خداوند بعثت کفرشان، بر دل‌های آنها مهر زده؛ که جز عده کمی که راه حق می‌پویند و لجاج ندارند؛ ایمان نمی‌آورند.

۵. عهد شکنان

قرآن کریم، قوم یهود را انسان‌های عهد شکن و نافرمان معرفی می‌کند چرا که آنان تمام عهدهایی که با رهنمایی و هدایت حضرت موسی علیه السلام با خداوند بسته بودند، همه را زیر پا گذاشتند. قرآن کریم از آنان چنین یاد می‌کند و فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ»^(۱۶)؛ و به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس، با اینکه پیمان بسته بودید، همه شما به جز اندکی، سرپیچی کردید؛ و از وفای به پیمان خود، روی گردان شدید.

قرآن کریم در آیه بعد مجدد از عهد شکنی و نقض پیمان قوم یهود یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تُشْهَدُونَ. ثُمَّ أَنْتُمْ هُنَّاءٌ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ»^(۱۷)؛ و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید؛ و بر این پیمان، گواه بودید. اما

۱۵. سوره نساء آیه ۱۵۵.

۱۶. سوره بقره آیه ۸۳.

۱۷. سوره بقره آیه ۸۴ و ۸۵.

این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمین خود بیرون می‌کنید.

۶. حسادت

قرآن کریم، قوم یهود را انسان‌های حسود که حسادت در وجود آنها ریشه دوانده و جزء ذات و شخصیت آنان شده؛ معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ»^(۱۸)؛ بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد، آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است.

۷. فرار از جهاد

قرآن کریم، قوم یهود را انسان‌های نافرمان معرفی کرده تا جایی که به دستور حضرت موسی به سوی سرزمین مقدس فلسطین حرکت کردند تا آنجا را از لوٹ وجود شرک و بت پرستی پاک کنند، اما وقتی که به آن جا رسیدند از جهاد سرباز زدند و به حضرت موسی گفتند «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^(۱۹)؛ بنی اسرائیل گفتند: ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم!.

۸. گوساله پرستی

قوم یهود با آن که بارها معجزات الهی را مشاهده کرده بودند، از مسیر خداپرستی خارج شدند و گوساله پرست شدند. قرآن کریم داستان گوساله پرستی قوم بهود را این گونه بیان می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۲۰)؛ و به یاد آورید زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم؛ و گفتیم: این دستوراتی را که به شما داده‌ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید! و آنها گفتند: شنیدیم؛ ولی مخالفت کردیم. و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید! . به همین خاطر خداوند قوم یهود را بخاطر گوساله پرستی،

۱۸. سوره بقره آیه ۱۰۹.

۱۹. سوره مائده آیه ۲۴.

۲۰. سوره بقره آیه ۹۳.

سرزنش کرده است و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ»^(۲۱)؛ کسانی که گوساله شدند، بزودی به خشم پروردگار، و ذلت در زندگی دنیا، گرفتار خواهند شد؛ و ما این چنین، کسانی را که بر خدا افترا می‌بندند، کیفر می‌دهیم.

۹. فرار از قانون

قوم یهود ممنوعیت صید در روز شنبه را با ساختن حوضچه‌های ساحلی و بستن راه فرار ماهی‌ها برای صید آنان در روز یکشنبه؛ قانون الهی را مزورانه زیر پا گذاشتند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^(۲۲)؛ و از آنها درباره سرگذشت شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، نافرمانی کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه آشکار می‌شدند؛ اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی‌آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند!

۱۰. قساوت قلب

قوم یهود به جهت لجاجت و کینه توزی و بی‌توجهی به نشانه‌های الهی، دل‌هانشان سخت شد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»^(۲۳)؛ پس با این معجزه باز چنان سخت دل شدید، که دل‌هایتان چون سنگ یا سخت‌تر از آن شد، چرا که پاره‌ای از سنگها می‌شکافد، و از آن نهرها جاری می‌شود؛ و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند؛ و پاره‌ای از ترس خوف خدا فراز می‌ریزد. و شما سنگدلان بترسید که خدا از کردار شما غافل نیست.

۱۸. دیدگاه امام خمینی در باره فلسطین و اسرائیل چیست؟

امام خمینی به حق بزرگترین پرچمدار مبارزه با رژیم اسرائیل و مدافع حقوق فلسطین دانست. ایشان از ابتدای تشکیل رژیم غاصب و نامشروع اسرائیل در سرزمین

۲۱. سوره اعراف آیه ۱۵۲.

۲۲. سوره اعراف آیه ۱۶۳.

۲۳. سوره بقره آیه ۷۴.

فلسطین همواره دفاع از ملت مظلوم فلسطین و مبارزه با رژیم نژادپرست اسرائیل را جزء تکالیف شرعی، دینی و انسانی خود دانست و آن را سرلوحه اندیشه‌ها، آرمان‌ها و رفتار خود قرار داد، به گونه‌ای که می‌توان گفت اگر تأسیس حکومت اسلامی، اولویت اول برای ایشان در ایران بود، در خارج از کشور، آزادی بیت المقدس و سرزمین فلسطین، مهم‌ترین دغدغه فکری و عملی ایشان را تشکیل می‌داد. بررسی و تبیین دقیق و جامع دیدگاه‌ها و نیز رفتار و مواضع عملی ایشان نیازمند نگارش چندین جلد کتاب مستقل می‌باشد و در این جا با رعایت اختصار به محورهای اصلی آن اشاره می‌شود:

۱. نقشه شوم اسرائیل، استیلا بر جهان است

حضرت امام خمینی همواره، از نقشه‌های توسعه طلبانه و گام به گام نظام سلطه در تشکیل اسرائیل بزرگ، پرده برداشته و همگان را نسبت به این که اسرائیل ابتدا اشغال فلسطین، سپس نیل تا فرات، پس از آن تمام کشورهای عربی اسلامی از اهداف شوم آنان است؛ هشدار می‌داد و می‌فرماید: «همه باید بدانند که هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد. آنها در این نقشه‌اند که تمام کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند»^(۲۴). «سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند، تنها برای سرکوب ملت عرب نمی‌باشد، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منافع سرشار کشورهای اسلامی است»^(۲۵).

۲. مسأله فلسطین، مسأله جهان اسلام است

حضرت امام خمینی مسأله فلسطین را مسأله جهان اسلام می‌داند و می‌فرماید: «مسأله قدس، یک مسأله شخصی نیست و یک مسأله مخصوص به یک کشور و یا یک مسأله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست. بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مومنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است»^(۲۶).

۳. اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین است

۲۴. صحیفه نور جلد اول صفحه ۱۹۳.

۲۵. صحیفه نور جلد اول صفحه ۲۰۹.

۲۶. صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۱۹۰.

حضرت امام خمینی مسئله اصلی اسرائیل را دشمنی با اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان می‌دانست و می‌فرمود: «اسرائیل دشمن بشریت و دشمن اسلام است»^(۲۷) و همچنین اسرائیل را غده سرطانی می‌دانست و می‌فرمود: «رژیم صهیونیستی، رژیم جعلی، یاغی و مجسمه شیطان است»^(۲۸) و مشکل فلسطین را مشکل جهان اسلام می‌دانست و می‌فرمود: «دولت غاصب اسرائیل با هدف‌هایی که دارد برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد»^(۲۹). از این رو نابودی اسرائیل را در دستور کار خود قرار داد و با صدای رسا می‌فرمود: «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود».

۴. اسرائیل با حمایت آمریکا جنایت می‌کند

حضرت امام خمینی دولت آمریکا را حامی اسرائیل می‌دانست و در بیشتر از ۵۰ سال پیش نسبت به این موضوع هشدارهای لازم را داده بود و می‌فرمود: «آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، آمریکا است که به اسراییل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره می‌کند»^(۳۰).

۵. هر طرحی که اسرائیل را به رسمیت بشناسد ممنوع است

حضرت امام خمینی با هرگونه طرحی که اسرائیل را به رسمیت بشناسد و یا از پس گیری حتی ذره‌ای از خاک فلسطین عقب نشینی نماید؛ مخالفت می‌نموده و این طرح‌ها را در جهت مشروعیت بخشیدن به رژیم غاصب اسرائیل و ایجاد و گسترش اختلاف بین مسلمانان و کشورهای اسلامی و خیانت به مسلمانان و مردم فلسطین و اعراب و کل منطقه می‌دانستند. به همین دلیل با قرداد ننگین کمپ دیوید که بین مصر و اسرائیل و آمریکا برقرار شد؛ مخالفت کرد و ضمن افشای ابعاد خسارت و آثار منفی آن، قطع ارتباط با دولت خائن و سازشکار مصر در دستور کار جمهوری اسلامی قرار داد^(۳۱).

۶. مسلمانی باید بر علیه اسرائیل قیام کند

حضرت امام خمینی ملت ایران را در کنار ملت فلسطین می‌دانست «ما همواره در کنار ملت فلسطین خواهیم بود»^(۳۲) و همه مسلمانان را به حمایت از ملت فلسطین

۲۷. صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۲۷۶.

۲۸. صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۲۷۶.

۲۹. صحیفه نور جلد اول صفحه ۱۴۴.

۳۰. صحیفه نور، جلد ۱ صفحه ۱۱۱.

۳۱. صحیفه نور جلد ۳ صفحه ۵۶.

۳۲. صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۲۷۶.

دعوت می فرمود و از آنان می خواست تا خود را در برابر این غده سرطانی مجهر نمایند
«بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند»^(۳۳)

۷. تسلط اسرائیل بخاطر خیانت سران کشورهای اسلامی است

حضرت امام خمینی اختلاف نظر، مزدوری و خیانت بعضی سران کشورهای اسلامی را دلیل تسلط اسرائیل بر فلسطین، و مانع اصلی برای نابودی اسرائیل می دانست، چرا که دهها میلیون عرب به راحتی می توانند سرزمین فلسطین را از اشغال و غصب اسرائیل برهانند. ایشان در این زمینه می فرمود: «مشکل مسلمین حکومت های مسلمین است این حکومت ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده اند، ملت ها مشکل مسلمین نیستند، ملت ها با آن فطرت ذاتی که دارند می توانند مسائل را حل کنند، لکن مشکل، دولت ها هستند شما سرتاسر ممالک اسلامی را وقتی که ملاحظه کنید کم جایی را می توانید پیدا بکنید که مشکلاتشان بواسطه حکومت هایشان ایجاد نشده باشد. این حکومت ها هستند که بواسطه روابطشان با ابرقدرت ها و سرسپردگی شان با ابرقدرت های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده اند اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته بشود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملت هاست»^(۳۴).

۸. با ایمان به خدا و تکیه بر سلاح، باید با اسرائیل بجنگید

حضرت امام خمینی خطاب به ملت فلسطین می فرماید: «شما مطمئن باشید که نه شرق به درد شما می خورد و نه غرب، با ایمان به خدا و تکیه بر سلاح، با اسرائیل بجنگید. همچون ملت و نیروهای مسلح ایران که بی اتکا به قدرت ها و ابرقدرت ها و با ایمان به خدا و قدرت لایزال او تا حصول خواسته های مشروع خویش، دست از اسلحه بر نمی دارند»^(۳۵).

۹. اسرائیل را باید تحریم کنید

حضرت امام خمینی علاوه بر شناسایی مشکلات برای مقابله با رژیم صهیونیستی، راهکارهایی را هم ارائه داده اند از جمله: «این جانب کراراً خطر دولت اسرائیل و عمال

۳۳. صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۲۷۶.

۳۴. صحیفه نور، ج ۱، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۴.

۳۵. صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۳۸۲.

آن را به ملت گوشزد کردم که باید مقاومت منفی کنند و از معاملات با آنها احتراز جویند»^(۳۶).

حضرت امام خمینی در دوران قبل از انقلاب از رژیم ستم شاهی، به دلیل روابط نزدیک با اسرائیل انتقاد کرده و به شدت او را سرزنش می‌کنند و می‌فرماید: «آیا جا ندارد که اعتراض کنیم: آقا نفت مسلمین را چرا به کفار می‌دهی، به کفاری که در حال جنگ و تجاوز به سرزمین و امت اسلام هستند»^(۳۷).

حضرت امام خمینی در پیامی به مناسبت جنگ رمضان ۱۹۷۳ در این رابطه می‌فرماید: «دولت‌های ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، بعنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده، از فروش نفت به آن دولت‌هایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند»^(۳۸).

۱.۰. روز قدس، روز حیات مجدد اسلام است

حضرت امام خمینی بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های جهان اسلام علیه اسرائیل را گوشزد کرده و ضمن اجازه مصرف وجوهات شرعی برای مبارزه با اسرائیل، حرکتی مردمی در حمایت از فلسطین را پی‌ریزی کرده و راهپیمایی روز جهانی قدس را اعلام می‌دارد و می‌فرماید: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مسلمانان اعلام نمایند»^(۳۹). «روز قدس را بزرگ بشمارند و در همه ممالک اسلامی در روز قدس، در روز جمعه آخر ماه مبارک، تظاهرات کنند، مجالس داشته باشند، محافل داشته باشند، مسجد داشته باشند، در مساجد فریاد بزنند»^(۴۰). «روز قدس، روز حیات مجدد اسلام است»^(۴۱).

۱.۱. روز قدس، روز حیات مجدد اسلام است

۳۶. صحیفه نور، ج ۱ صفحه ۱۵۵.

۳۷. صحیفه نور، جلد ۱ صفحه ۱۳۹.

۳۸. صحیفه نور، جلد ۱ صفحه ۱۶۵.

۳۹. صحیفه نور، جلد ۸ صفحه ۲۲۹.

۴۰. صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۸۰.

۴۱. صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۸۰.

حضرت امام خمینی با استفاده از ظرفیت مراسم با شکوه حج با ارسال پیام و پایه گذاری راهپیمایی برائت از مشرکان بیشترین تأثیر را در بین مسلمانان، در موضوع فلسطین داشته است آن بزرگوار در یکی از پیام‌های خود می‌فرماید: «شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشانده است. آری، فلسطینی راه گم کرده‌ی خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریه‌ی فلسطین از شجره‌ی مبارکه‌ی «لاشقریه و لاغریبه» می‌ما برافروخت... امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه‌ی عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند، می‌بوسم و سلام و درودهای خالصانه‌ی خود را به همه‌ی غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم»^(۴۲).

۱۹. دیدگاه رهبر معظم انقلاب در باره فلسطین و اسرائیل چیست ؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای، همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، همواره با حمایت‌های سیاسی، نظامی و معنوی از رزمندگان فلسطینی و لبنانی، فضایی را شکل داده‌اند که پیروزی‌های رزمندگان را در پی داشته است. رهبر انقلاب در ۴۵ سال گذشته و به ویژه در دوره رهبری، همواره مسئله فلسطین را در اولویت قرار داده و رهنمودها و راهکارهایی برای پیروزی ملت فلسطین ارائه کرده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

۱. هدف تشکیل رژیم اسرائیل

رهبر معظم انقلاب، پشت پرده تشکیل اسرائیل را دولت انگلیس می‌داند و می‌فرماید: «یک عده از یهودیان با نفوذ در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودیان افتادند. دولت انگلیس از فکر این‌ها استفاده نموده و مشکلات خود را سعی کرد حل کند، چرا که انگلیسی‌ها در خاورمیانه اهداف استعماری مهمی داشتند»^(۴۳).

۴۲. پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سالگرد کشتار خونین حجاج خانه‌ی خدا و قبول قطعنامه‌ی

۲. مسئله فلسطین، مسئله اول جهان اسلام است

رهبر معظم انقلاب، مسئله فلسطین را مسئله اول جهان اسلام می‌داند و می‌فرماید: «به دو دلیل مسئله فلسطین، مسئله اول جهان اسلام است. دلیل اول ریشه فقهی دارد و این که فقهای اسلامی اجماع نظر دارند در صورتی که قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله دشمن جدا شود همه باید با تلاش و جهاد بازگرداندن آن قطعه را وظیفه خود بدانند. دلیل دوم این است که اساساً تشکیل دولت یهودی صهیونیست با یک هدف بلند مدت استکباری به وجود آمد و طبق اسناد تاریخی، تشکیل این حکومت بیش از آنکه آرزوی مردم یهود باشد، خواست استعماری دولت انگلیس بود»^(۴۴).

۳. اعلام صریح مواضع

رهبر معظم انقلاب، موضع جمهوری اسلامی را روشن و صریح اعلام می‌کند و این اعلام موضع صریح ایران در حمایت از ملت فلسطین، سبب تقویت روحیه جبهه مقاومت شده است. «هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم»^(۴۵). «جمهوری اسلامی ایران حامی و طرفدار جبهه‌ی مقاومت است، حامی و طرفدار مقاومت فلسطین است؛ این را همواره گفته‌ایم و به آن عمل کرده و بر آن پای فشرده‌ایم»^(۴۶).

۴. پیش‌گویی فروپاشی رژیم صهیونیستی

در زمان توافقات هسته‌ای ایران در سازمان ملل، اسرائیل اعلام کرد امنیت کشور اسرائیل برای ۲۵ سال آینده تضمین است اما رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه فرمود: «اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید»^(۴۷). این جمله نه تنها ضربه سنگینی بر آرامش استعمارگران جهان وارد کرد، بلکه روح تازه‌ای به مقاومت دمید.

۵. دفاع مسلحانه

رهبر معظم انقلاب اسلامی، دفاع مسلحانه را حق ملت مسلمان فلسطین دانسته و همه را به دفاع دعوت کرده است تا جایی که می‌فرماید: «اسرائیل ثابت کرده است

۴۴. بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۱۳۷۹.

۴۵. بیانات رهبری در ۱۴ بهمن ۱۳۹۰.

۴۶. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس رمضان ۱۴۴۳.

۴۷. ۱۸ شهریور ۱۳۹۴

که جز زبان زور، چیز دیگری نمی‌فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی‌شود حرف زد»^(۴۸). و گسترش این دفاع مسلحانه را به همه سرزمین فلسطین لازم می‌داند و می‌فرماید: «کرانه‌ی باختری هم باید مثل غزه مسلح بشود و آماده‌ی دفاع باشد»^(۴۹).

۶. حمایت همه جانبه از مقاومت

رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره از گروه‌های مقاومت حمایت کرده است تا آن جایی که در عملیات «طوفان الاقصی»، تمام قد از پشت حماس درآمد و فرمود: «ما پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند و جوانان شجاع فلسطینی را می‌بوسیم و به آنها افتخار می‌کنیم. طراحان هوشمند، جوانان شجاع، فعالان ازجان گذشته توانسته‌اند این حماسه را به وجود بیاورند و این حماسه ان‌شاءالله گام بزرگی برای نجات فلسطین خواهد بود»^(۵۰).

۷. بیانات منحصر به فرد

رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره با بیانات منحصر به فرد نه تنها رژیم منحوس اسرائیل که همه سیاسیون و رهبران جهان را متحیر کرده است ایشان در باره عملیات «طوفان الاقصی» جملاتی دارد منحصر به فرد ایشان می‌فرماید: «رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده»^(۵۱) است. «وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده‌خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود»^(۵۲). «رژیم صهیونیستی در حادثه طوفان الاقصی ضربه فنی شد و حماس به عنوان یک گروه مبارز، نه به عنوان یک دولت و کشور با امکانات زیاد، توانست رژیم غاصب صهیونیست را با آن همه امکانات ضربه فنی کند»^(۵۳). «امروز اراده‌ی شکست ناپذیر در فلسطین و همه‌ی منطقه‌ی غرب آسیا، جایگزین ارتش شکست ناپذیر صهیونیست شده است»^(۵۴).

۸. راه حلّ مسأله فلسطین

۴۸. ۲۷ مهر ۱۳۷۰.

۴۹. ۴ آذر ۱۳۹۳.

۵۰. در دانشگاه امام علی ۱۸ مهر ۱۴۰۲.

۵۱. در دانشگاه امام علی ۱۸ مهر ۱۴۰۲.

۵۲. ۱ آذر ۱۴۰۲.

۵۳. ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱.

۵۴. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس رمضان ۱۴۴۳.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، راه حلّ مسئله فلسطین را این گونه بیان می‌فرماید: «تنها راه حلّ مسأله فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند، چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند»^(۵۵). «دولت جمهوری اسلامی راه حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین را پیشنهاد می‌دهد، آنانی که در فلسطینند و آنانی که آواره شدند. از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ در فلسطین بوده‌اند (مسلمانان، مسیحیان و یهودیان) نظرخواهی شود. این‌ها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند»^(۵۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، بار دیگر به طرح همه‌پرسی از فلسطینی‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: خود فلسطینی‌ها، چه در سرزمین فلسطین، چه در کشورهای همسایه‌ی فلسطین داخل اردوگاه‌ها، چه در جاهای دیگر، هر جا هستند. چندین میلیون فلسطینی هستند. اینها میتوانند نظر بدهند. [همه‌پرسی] یک منطق دنیاسند و قابل قبول و متمدّنانه برای اداره‌ی فلسطین است. بعضی از این سخنگویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره‌ی منطقه که صحبت میکنند، بدروغ میگویند که «ایران میگوید بایستی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را به دریا بریزند»؛ نه، این حرف را قبلاً دیگران یا کسانی از عربها گفتند؛ ما هیچ وقت نگفتیم این را؛ ما کسی را به دریا نمی‌ریزیم. ما میگوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که با آراء مردم فلسطین تشکیل شد، درباره‌ی مردمی که آنجا هستند و از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد^(۵۷).

۹. وحدت راه‌گشای مسئله فلسطین است

رهبر معظم انقلاب اسلامی، وحدت مسلمانان را برای مقابله با نقشه دشمنان لازم و ضروری دانسته و می‌فرماید: «امروز در درجه‌ی اوّل اولویّت برای دنیای اسلام قرار دارد، وحدت است. ما مسلمانها خیلی از هم دور شدیم؛ سیاستها در این زمینه، تلاش متأسّفانه موقّعی انجام دادند که مسلمانها را، از یکدیگر جدا کنند. امروز به وحدت احتیاج داریم». اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان، سنی و شیعه و فرّق مختلف تسنّن و تشیّع، با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند،

۵۵. ۱۴ خرداد ۱۳۸۱.

۵۶. بیانات معظم الله در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۴ اسفند ۱۳۸۷.

۵۷. دیدار بسیجیان با رهبر انقلاب ۸ آذر ۱۴۰۲.

ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت»^(۵۸).

۱. مقاومت تنها راه پیروزی است

رهبر معظم انقلاب، حوادث اخیر را مهر بطلان بر طرح‌های سازش می‌داند و می‌فرماید: «این حوادث و آنچه در سال‌های اخیر در فلسطین رخ داده است، مُهر ابطال بر همه‌ی طرح‌های سازش با دشمن صهیونیست است، زیرا هیچ طرحی درباره‌ی فلسطین در غیاب یا بر خلاف نظر صاحبان آن یعنی فلسطینی‌ها اجرا شدنی نیست؛ این یعنی همه‌ی توافقات پیش از این مانند اُسلو، یا طرح عربی دو دولتی، یا معامله‌ی قرن، یا عادی‌سازی‌های حقیرانه‌ی اخیر، باطل شده‌اند. ما حرکت خیانت‌آمیز عادی سازی و سیاست تطمیع‌پذیری را محکوم می‌کنیم. تنها با نیروی مقاومت که برگرفته از تعلیم قرآن کریم و احکام اسلام عزیز است، می‌توان مسائل دنیای اسلام و در رأس آن مسئله‌ی فلسطین را حل کرد»^(۵۹).

۲. انقلاب اسلامی برای ملت فلسطین چه دستاوردهایی داشته است؟

آنگاه که ظهور انقلاب اسلامی ایران، به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان یک قدرت در جغرافیای سیاسی و حاکمیتی جهان پدیدار شد؛ تحولات بسیاری را در منطقه و جهان بوجود آورد. یکی از مسائلی که در سایه انقلاب اسلامی و رهنمودها و ابتکارهای امامین انقلاب اسلامی متحول شده است؛ قضیه فلسطین است. انقلاب اسلامی، برای فلسطین، تحولات بسیاری را ایجاد کرده و دستاوردهای بی‌شماری را برای آن رقم زده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

۱. پایه‌گذاری بینش واقعی

یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، پایه‌گذاری بینش واقعی جدید، در جغرافیای سیاسی جهان است. انقلاب اسلامی، به همه‌ی مسلمانان فهماند، که چون دانه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند و در سایه‌ی اتحاد و برادری، می‌توان توطئه‌های نظام سلطه را بر علیه جهان اسلام؛ نقش بر آب کرد و به همه‌ی مسلمانان فهماند که دفاع از نوامیس مسلمین، هم ضروری و هم شدنی است و هم آن را عملی ساخته است.

۵۸. بیانات معظم له به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم ۱۳ اسفند.

۵۹. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس رمضان ۱۴۴۳.

۲. اصالت بخشیدن به مبارزه

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، اصالت بخشیدن به مبارزه ملت فلسطین است. انقلاب اسلامی، برای مجد و عظمت اسلام، نقطه‌ی عطفی در مبارزات ملت فلسطین بوجود آورد و به تاریخ طولانی مبارزه‌ی ملت فلسطین، اصالت بخشید و با ایجاد اتحاد و پیوستگی و دمیدن روحیه امید و خودباوری، به حمایت از ملت مظلوم فلسطین پرداخت و بر رنج چندین ساله‌ی این ملت مظلوم و آواره، مرحم نهاد.

۳. آزادی فلسطین، آرمان مسلمانان

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، جلوگیری از فراموش شدن مسئله فلسطین است. انقلاب اسلامی، فلسطین را به عنوان پاره‌ی تن اسلام معرفی کرد و آزادسازی فلسطین را، جزء آرمان مسلمانان جهان قرار داد و آن را به مسئله مهم جهان اسلام و حتی بین المللی تبدیل کرد و با جایگزینی سفارت فلسطین، بجای سفارت اسرائیل در تهران، از فراموش شدن مسئله فلسطین جلوگیری نمود.

۴. اثبات شکست پذیری رژیم جعلی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، اثبات شکست پذیری رژیم اسرائیل است. انقلاب اسلامی، اسرائیل را به عنوان دشمن اصلی مسلمانان معرفی کرد و نابودی اسرائیل را، جزء آرمان مسلمانان جهان قرار داد و شکست پذیری رژیم جعلی و غاصب اسرائیل را ثابت کرد.

۵. روز جهانی قدس

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، ایجاد انسجام و همبستگی جهانی در حمایت دنیای اسلام، از ملت مظلوم فلسطین است. بر این اساس، آخرین جمعه ماه رمضان، به عنوان روز قدس، تعیین گردید و همه مسلمانان جهان برای حمایت از ملت مظلوم فلسطین و مبارزه بر علیه اسرائیل، به راهپیمایی دعوت شدند.

۶. تشکیل هسته‌های مقاومت جهانی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، دور اندیشی حضرت امام خمینی (ره) در ایده تشکیل «هسته‌های مقاومت جهانی» است که می‌فرماید: «باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد»^(۶۰)؛ در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «هسته‌های

مقاومت جهانی امروز در منطقه محقق شده و هسته‌های مقاومت در حال تغییر سرنوشت منطقه هستند که یک نمونه آن، همین طوفان الاقصی است»^(۶۱).

۷. تأسیس جنبش‌های اسلام‌گرا

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، تأسیس جنبش‌های مبارز اسلام‌گرای «حماس» و «جهاد اسلامی فلسطین» است که تا کنون، ضمن انسجام بخشی به مبارزات، با انتفاضه‌ها و قیام‌های مسلحانه، اسرائیل را مجبور به عقب نشینی کرده است و ضربه‌های مهلک بر پیکر اسرائیل زده‌اند. عقب نشینی رژیم اسرائیل در سال ۲۰۰۵ از نوار غزه و یا جنگ کنونی فلسطین «طوفان الاقصی» از دستاوردهای جنبش اسلام‌گرای فلسطین است.^(۶۲).

۸. تأسیس جنبش حزب الله لبنان

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، تأسیس جنبش حزب الله لبنان، به عنوان تأثیرگذارترین گروه سیاسی و نظامی در منطقه است که قدرتمندترین ارتش منطقه یعنی رژیم منحوس اسرائیل را، با شکست‌های پی‌درپی، زمین گیر کرده و ضربه‌های مهلک بر پیکر آن زده است. آزادی جنوب لبنان و فرار اسرائیلی‌ها از این منطقه پس از ۱۸ سال اشغال، در سال ۲۰۰۰ یکی از دستاوردهای جنبش حزب الله لبنان بوده است.

۹. ایجاد جبهه‌ی مقاومت

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، پایه‌ریزی و ایجاد جبهه‌ی مقاومت به عنوان یک الگوی موفق مبارزه در منطقه است. جبهه‌ای که از نوار غزه و کرانه‌ی باختری شروع می‌شود و در لبنان و سوریه و عراق گسترش می‌یابد و از افغانستان و یمن سر در می‌آورد. مقاومتی که صهیونیست‌ها را، در درون مرزهایش زمین گیر کرده و آنان را در رؤیای دستیابی از نیل تا فرات، در هم شکسته است و به تعبیر مایکل آیزنستات کارشناس مؤسسه صهیونیستی واشنگتن: اسرائیلی که به دنبال محاصره ایران بود هم اکنون ایران و متحدانش او را محاصره کرده‌اند.

۶۱. دیدار بسیجیان با رهبر انقلاب ۸ آذر ۱۴۰۲.

۶۲. قبل از انقلاب اسلامی جنبش‌های مهم فلسطینی همانند جنبش فتح با رویکرد ملی‌گرایانه و جنبش‌های چپ‌گرایانه همانند جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، فعالیت داشتند اما جنبشی که بر محور اسلام بتواند مبارزات را به خوبی رهبری نماید، وجود نداشت.

۱. حمایت همه جانبه و آشکار

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی، حمایت همه جانبه سیاسی، فکری، حقوقی، مالی، آموزشی و رسانه‌ای از ملت مبارز و قهرمان فلسطین، در برابر رژیم صهیونیستی اسرائیل است، تا جایی که سازمان ملل مجبور شد سازمان آزادی بخش فلسطین را به عنوان یک گروه فلسطینی و طرف مذاکره شناسایی کند. این در حالی است که کشورهای دیگر اسلامی و عربی نه تنها جرأت چنین حمایتی را ندارند بلکه حتی برخی از آنان به صورت مستقیم و غیر مستقیم از آمریکا و اسرائیل حمایت می‌کنند.

۲. با توجه به این که ما در داخل کشور مشکلات زیادی داریم، چرا به مردم فلسطین کمک می‌کنیم؟ (چراغی که بر خانه رواست بر مسجد حرام است)

۱. وجود پاره‌ای از معضلات معیشتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در کشور واقعیتی غیر قابل انکار است که برای برون رفت از این وضعیت و دستیابی به وضعیتی مطلوبتر، دولت مردان بایستی تلاش‌های بیشتری انجام دهند، کما این که بعضی از آن در شرف انجام است.

۲. هر نظامی، مسئولیت‌های فراوان درون مرزی و برون مرزی دارد و این عاقلانه نیست که به دلیل پاره‌ای از معضلات در یک حیطة، حیطة دیگر رها شود و چه بسا سامان دهی و تقویت یک حیطة، به رفع مشکلات و معضلات دیگر حیطة‌ها بیانجامد و مسلم تأمین منافع و امنیت ملی در حیطة برون مرزی، منجر به حل بهتر و سریعتر معضلات درون مرزی خواهد شد.

۳. کمک به ملت فلسطین یک حرکت بشر دوستانه مرسوم و پذیرفته شده بین کشورها است، کما این که وقتی کشور ایران با حوادث و بحران‌ها مثل سیل، زلزله، آتش سوزی مواجه می‌شود، دیگر کشورها به کمک ایران می‌آیند.

۴. بسیاری از کمک‌های کشورمان به ملت فلسطین، مردمی است نه دولتی، یعنی آحاد مردم، با احساس وظیفه انسانی، وجدانی و دینی کمک‌های نقدی و یا غیر نقدی خود را از طریق کمیته امداد، هلال احمر و بسیج، روانه سرزمین فلسطین می‌کنند و آن بخش کمک‌ها دولتی، از بودجه دفاعی و نظامی کشور برای انتقال فنآوری‌های نظامی و دفاعی و آموزشی به محور مقاومت و در راستای راهبرد دفاعی و امنیتی کشور مصرف می‌شود و به تعبیر بهتر، تشکیل ارتش فرامرزی برای حفظ امنیت درون مرزی است.

۵. آیا وقتی کشورهای مختلف جهان مانند آمریکا، به رغم مشکلات داخلی، باز هم در جهت اهداف و منافع نامشروع خود، کمک‌های بسیار زیادی را به اسرائیل ارسال می‌کنند؛ ما نباید در راستای دفاع مشروع مردم مظلوم فلسطین، که در خط مقدم دفاع برای تأمین امنیت منطقه‌ای که ما نیز در آن هستیم؛ کمک کنیم؟

۶. کمک و حمایت از ملت مظلوم و آواره فلسطین، جزء اصول قانون اساسی کشور است. در بند شانزده اصل سوم قانون اساسی کشورمان آمده است: «تنظیم سیاست خارجی کشور باید بر اساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان باشد». لذا ما به عنوان یک ایرانی و به حکم انسانی و بر اساس اصول قانون اساسی، باید به مردم فلسطین کمک نماییم.

۷. کمک و حمایت از ملت مظلوم و آواره فلسطین جزء آرمان‌های دینی و اسلامی است. چرا که سرزمین فلسطین و بیت المقدس، خاستگاه ادیان توحیدی، محل بعثت و محل زندگی بسیاری از پیامبران الهی و محل عروج پیامبر اسلام و بسیار مقدس است. سرزمین فلسطین میراث گران‌بهای دینی و بشری است و نه تنها پیروان ادیان الهی، بلکه همه بشریت، نسبت به آن نباید بی‌تفاوت باشند و باید با حفاظت و صیانت از آن، نگذارند به وجود افراد خرافی و منحرف آلوده شود.

۸. از آن جایی که نظام سلطه برای نابودی اسلام و مسلمین، منافع خود را در اختلاف افکنی و تشتت می‌بیند؛ ما مسلمانان که به مثابه یک پیکریم، باید در برابر زیاده خواهی استکبار جهانی، ید و احد شده و با کمک به یکدیگر در اعتلای کلمه توحید بکوشیم. چرا که دست برداری از حمایت برادران فلسطینی، در واقع کمک به جداسازی امت اسلامی و نابودی دین است.

۹. اسرائیل برای تحقق اهداف خبیثانه خود، به دنبال ایجاد بحران، ناامنی در منطقه است و این بحران و ناامنی، ریشه بسیاری از معضلات و عقب ماندگی‌های منطقه شده است. چرا که هر جا ناامنی باشد، خود به خود بسترهای سرمایه گذاری و رشد در آن از بین خواهد رفت و این همان حقیقتی است که حضرت امام خمینی (ره) به آن اشاره کرده است که ریشه‌ی عقب ماندگی و مشکلات اقتصادی منطقه و ایران، وجود ناپاک اسرائیل است. لذا برای اینکه این منطقه رشد و توسعه یابد و امنیت در آن برقرار شود؛ باید با کمک به ملت فلسطین که در خط مقدم جبهه قرار گرفته است علاوه بر ممانعت از توسعه طلبی اسرائیل، زمینه رفع معضلات کشورمان را فراهم سازیم.

۱۰. منافع ملی ما ایجاب می‌کند نسبت به مسائل به وجود آمده در منطقه بی تفاوت نباشیم و نفوذ حیاتی خود را به جوامع مسلمان گسترش دهیم، چرا که گسترش حوزه‌ی نفوذ و عمق راهبردی در منطقه، در حفظ امنیت ملی تأثیرگذار است و به تعبیر بهتر، ایران قدرتمند، ایران با نفوذتر در منطقه است و اگر در سال‌های قبل، دشمن به حمله نظامی تهدید می‌کرد ولی قادر به اجرای آن نبود و امروز قدرت بیان آن را ندارد، به خاطر وجود حوزه نفوذ گسترده ایران در منطقه است و یکی از راه‌های آن کمک به ملت فلسطین بوده است.

۲۲. وظیفه کشورهای اسلامی در قضایای فلسطین چیست؟

دولت‌های اسلامی از ظرفیت‌ها و ابزارهای متعددی برای تأثیرگذاری به نفع فلسطین برخوردار هستند که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱. کنار گذاشتن اختلافات در قبال فلسطین

یکی از وظایف کشورهای اسلامی در قبال فلسطین، کنار گذاشتن اختلافات است. حدود ۵۷ عضو سازمان همکاری‌های اسلامی در صورت اتحاد و انسجام، بزرگترین پشتیبان مسئله فلسطین خواهند بود، اما متأسفانه به دلیل اختلافات داخلی، مرزی، ایدئولوژیکی و مذهبی، بخش زیادی از انرژی این دولت‌ها صرف درگیری‌ها می‌شود و این در حالی است که یهودیان ضمن اتحاد میان خود، جهان مسیحیت را با تأکید بر دولت‌های اروپایی و آمریکایی به سمت خود متمایل کرده‌اند.

۲. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌ها جهانی

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی، حمایت سیاسی از فلسطین در بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی است. کشورهای اسلامی از سازمان‌های متعددی همانند سازمان همکاری‌های اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری‌های خلیج فارس و اکو، برخوردار هستند و همچنین آنان در اتحادیه آفریقا، جنبش غیرمتعهدها و سازمان ملل، دارای اکثریت هستند و می‌توانند با جهت دهی افکار عمومی جهانی، ظرفیت‌ها و فرصت‌های بی‌بدیلی را به نفع فلسطین ایجاد می‌نمایند

۳. قطع روابط سیاسی

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی در قبال فلسطین، قطع روابط سیاسی و دیپلماسی با اسرائیل است. قطع روابط سیاسی و اخراج سفرای اسرائیل و بستن

سفارت‌های اسرائیل در کشورهای اسلامی و تهدید به قطع روابط سیاسی با کشورهای پیکه که با اسرائیل ارتباط دارند؛ کمترین توقعی است که از کشورهای اسلامی می‌توان داشت.

۴. تحریم اقتصادی

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی در قبال فلسطین، تحریم اقتصادی رژیم صهیونیستی است. برخورداری کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس از منابع نفت و گاز و همچنین بازار یک و نیم میلیارد نفری آنان یکی از فرصت‌های استثنایی برای تحریم رژیم صهیونیستی است. تحریم اسرائیل و حامیانش یک بار در سال ۱۹۷۳ جواب داد و می‌تواند مجدد جواب می‌دهد.

۵. کمک‌های اقتصادی

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی، کمک‌های اقتصادی به ملت و گروه‌های مقاومت فلسطینی است. یکی از ابزارهای حمایتی از ملت فلسطین تشکیل صندوق حمایت است که باید با عضویت کشورهای اسلامی، خاصه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که درآمد سرشاری از منابع نفت و گاز به دست می‌آورند؛ بهترین حمایت‌ها را می‌توانند از ملت فلسطین داشته باشند.

۶. کمک‌های نظامی و تسلیحاتی

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی، کمک نظامی و تسلیحاتی به ملت و گروه‌های مقاومت فلسطینی است. امروز فقط جمهوری اسلامی ایران آشکارا اعلام کرده است که از فلسطینی‌ها و هر گروه ضد اسرائیلی حمایت خواهد کرد و این در حالی است که کشورهای اسلامی، جرات اعلام چنین مسئله‌ای را ندارند و حتی بخشی از سلاح‌های اسرائیلی‌ها از انبارهای تسلیحاتی دولت امریکا در کشورهای عمان، قطر، بحرین، عربستان، اردن و ترکیه تامین می‌شود.

۷. پیگیری حقوقی:

یکی دیگر از وظایف کشورهای اسلامی، پیگیری حقوقی موضوعات مربوط به فلسطین از طریق دعاوی و محاکم بین المللی و دیوان بین المللی کیفری، برای محاکمه سران سیاسی و نظامی خون آشام رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی است.

قطعا در صورتی که دولت‌های اسلامی با اتحاد خود و اتخاذ سیاست‌های حمایتی از فلسطین و برائت و تحریم اسرائیل غاصب، (اقدامات پیش گفته در سوال قبلی) را انجام می‌دادند طرح این سوال معنایی نداشت ولی چون متاسفانه شاهدیم که اکثر دولت‌های اسلامی دارای روابط سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی و امنیتی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت آشکار یا مخفی با رژیم صهیونیستی می‌باشند؛ ناگزیر باید ملت‌های مسلمان آن وظایف را به عهده بگیرند.

ملت‌های مسلمان بر اساس فرمایش پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و وظیفه دارند به کمک ملت مظلوم فلسطین بپا خیزند. پیامبر گرامی در این زمینه فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^(۶۳)؛ هر که روز خود را آغاز کند و دغدغه امور مسلمانان را نداشته باشد، از آنان نیست. و یا «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين! فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^(۶۴)؛ و هر که فریاد کمک خواهی مسلمانان را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست

مسلمانان جهان با حدود یک و نیم میلیارد نفر، صد برابر تعداد ۱۵ میلیون نفری یهودیان دنیا جمعیت دارند. و به صورت طبیعی سازماندهی، برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از این ظرفیت بزرگ، بهترین عامل و ابزار برای پیشبرد اهداف مرتبط با فلسطین می‌باشد. به اختصار به چند اقدام می‌توان اشاره کرد:

۱. حمایت معنوی

یکی از وظایف مسلمانان، حمایت معنوی از مبارزات ملت فلسطین است. بدون شک دعای خالصانه و التجاء به درگاه خداوند و توسل به اولیاء الهی و درخواست صبر و پیروزی برای مردم مظلوم و سلحشور فلسطین و اضمحلال و نابودی رژیم غاصب و کودک کش اسرائیل؛ در کنار اقدامات عملی، یکی از مهمترین وظیفه مسلمانان و بهترین ابزارهای موفقیت ملت فلسطین است.

۲. شناخت دقیق مسئله فلسطین

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، افزایش آگاهی و فهم واقعی مسئله فلسطین است. یکی از مشکلات موجود در میان جامعه اسلامی نسبت به قضیه فلسطین، وجود شبهات بسیار زیاد و عمدتاً با هدف تخریب چهره فلسطینی‌ها است. این شبهات که

عمدتاً از اتاق‌های فکر اندیشکده‌های صهیونیستی و آمریکایی نشأت می‌گیرد، متأسفانه سهم قابل توجهی در بی‌تفاوتی و عدم حمایت‌ها از فلسطین داشته است.

۳. شرکت در راهپیمایی‌ها

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، شرکت مؤثر ملل مسلمان، در راهپیمایی‌ها و تجمعات حمایتی از ملت فلسطین و انزجار از رژیم غاصب، جعلی و نامشروع اسرائیلی است. حضور مؤثر و گسترده در راهپیمایی‌های برنامه‌ریزی شده همانند راهپیمایی روز قدس و یا تجمعات حمایتی از ملت فلسطین و ابراز انزجار نسبت به رژیم صهیونیستی، موجب دلگرمی و افزایش اعتماد و تقویت مبارزین فلسطینی است.

۴. جهاد تبیین

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، جهاد تبیین است. پژوهش‌گران و محققین، اندیشمندان و دانشمندان، نویسندگان و نخبگان، اساتید حوزه و دانشگاه، دبیران و معلمان، ائمه جمعه و جماعات و اهالی هنر و فعالان فضای مجازی؛ با تولید محتوا، در یک جهاد تبیین، مردم را نسبت به مظلومیت ملت فلسطین آشنا و حساس نمایند و ماهیت رژیم غاصب، جعلی و نامشروع رژیم صهیونیستی اسرائیل را به مردم بشناسانند و جنایات این جانیان بشریت و این غده سرطانی را به نمایش بگذارند.

۵. فشار بر دولت مردان

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، فشار بر دولت مردان کشورهای اسلامی است. متأسفانه بسیاری از دولت‌های اسلامی همانند ترکیه، مصر، اردن، امارات، بحرین، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، مراکش و... با رژیم صهیونیستی از در صلح و سازش برآمدند و ملل مسلمان باید با فشار بر سیاست‌مداران و مسئولین کشورهای اسلامی قطع روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با اسرائیل را عملی سازند.

۶. تحریم کالاهای اسرائیلی

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، تحریم کالای اسرائیلی است. تحریم کالای اسرائیلی، در کشورهای مختلف، توسط مسلمانان، تضعیف اقتصاد رژیم صهیونیستی را به دنبال خواهد داشت. و دولت‌مردان کشورهای اسلامی را در روابطشان با اسرائیل، محبور به تجدید نظر خواهد کرد.

۷. کمک‌های مالی مردمی

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، کمک‌های مالی مردمی به ملت فلسطین و به مبارزین است. کمک‌های مالی برای تأمین نیازهای معیشتی، درمانی، عمرانی، بازسازی و از همه مهمتر، کمک برای تأمین نیازهای نظامی و تسلیحاتی مبارزان فلسطینی است.

۸. عدم رقابت ورزشکاران

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، خاصه ورزشکاران، عدم رقابت ورزشی با نمایندگان رژیم صهیونیستی، در مسابقات است. عدم رقابت به معنای به رسمیت نشناختن رژیم غاصب و اشغالگر قدس و حمایت از مردم مظلوم فلسطین است.

۲۴. **بعد از نابودی اسرائیل چه تضمینی وجود دارد که اسرائیل دیگری بوجود نیاید؟**
در پاسخ این سؤال باید گفت:

۱. همواره در طول تاریخ، درگیری حق و باطل وجود داشته و به یقین وجود خواهد داشت. همواره باطل در برابر حق و حقیقت، صف آرایی داشته و خواهد داشت و این روال ادامه دارد تا آن که منجی و مصلح جهانی ظهور نماید. همواره جریان باطل و سردمداران آن و در دوره معاصر، صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی و نظام سلطه، در برابر جریان حق و حقیقت ایستاده و با شیوه‌ها، روش‌ها و راهبردهای گوناگون، به جان بشریت افتاده‌اند و به چپاول سرمایه‌های ملل مظلوم جهان پرداخته‌اند.

۲. جریان باطل، زمانی با استعمار قدیم، زمانی با استعمار نو و اکنون با استعمار فرانو و گاهی با جنگ سخت، گاهی با جنگ نیمه سخت، گاهی با جنگ نرم و هم اکنون با جنگ شناختی و جنگ ترکیبی، به میدان آمده است و از سلاح و تجهیزات نظامی، تحریم‌های اقتصادی، انزوای سیاسی، نفوذ و استحاله، جاسوسی و کودتا، بهره برده و می‌برند و برای تحقق نقشه‌های شوم خود، از رسانه‌های دیداری و شنیداری، رادیو و تلویزیون، ماهواره و فضای مجازی، کتب و نشریات، و حتی از ورزش، و نیز از ظرفیت سازمان‌ها بین المللی، مقررات جهانی و اکنون اینترنت و هوش مصنوعی استفاده کرده و می‌کنند.

۳. در این میان جریان اهل حق، در تقابل و درگیری با باطل، باید در یک جهاد خستگی ناپذیر و در یک مبارزه نفس‌گیر، بر علیه جریان باطل، به جهاد و مبارزه بپردازد، تا زمینه ظهور منجی و مصلح جهانی فراهم شود.

۴. به یقین آگاهی و هوشیاری مردم به خصوص مسلمانان از برنامه‌ها و شیوه‌های دشمنان غدار و مقابله به‌هنگام و کارآمد، مناسب و متناسب، در کنار تجربه ایجاد شده و چشیدن طعم اتحاد در مقابل ظالم، می‌تواند جلوی ایجاد اسرائیل دیگری را بگیرد و از آن بهتر و کارسازتر، حمله هوشمندانه، مقتدرانه و قوی، به مبانی و عوامل قدرت آنان است که می‌تواند دشمن را زمین‌گیر و از کرده خود پشیمان سازد. و این به یقین حاصل نمی‌شود مگر با توکل و استعانت از خداوند متعال و وحدت مسلمانان و افزایش ابعاد گوناگون قدرت (علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و امنیتی) آنان. نمونه بارز آن جلوگیری از تولد اسرائیل دیگری به نام داعش است (در حقیقت اسرائیل، همان داعش سرکوب نشده ۷۵ سال پیش است) که با رهبری داهیانة رهبر انقلاب و فرماندهی مقاومت، شهید سلیمانی و همراهی مردم مسلمان به خصوص جوانان مؤمن، هوشیار و مجاهد کشورهای منطقه، به حیات ننگین آن پایان داده شد.

۵. و از همه مهمتر این که امروز، نه صهیونیست و دولت آمریکا، آن توان و موقعیت گذشته را دارد و نه منطقه پذیرش چنین نقشه‌ای را دارد، چرا که از یک سو، شاهد افول قدرت آمریکا و جهان غرب هستیم و از سوی دیگر، مردم منطقه و حتی جهان، در سایه انقلاب اسلامی و مقاومت‌های انجام شده، در پی تحولات اخیر، آن آگاهی لازم را به دست آورده‌اند و به یقین اجازه چنین حرکتی را نخواهند داد.

۲۵. اهداف «طوفان الاقصی» چیست؟

عملیات «طوفان الاقصی» به لطف خداوند، دارای اهداف خردمندانه است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. یکی از سیاست‌های و برنامه‌های نظام سلطه و صهیونیسم بین الملل، محو نام فلسطین از جغرافیای سیاسی جهان است و یکی از اهداف عملیات «طوفان الاقصی»، زنده نگه داشتن نام فلسطین است.

۲. یکی از سیاست‌های کلی آمریکا، عادی سازی روابط تمامی کشورها با رژیم اسرائیل است و یکی از اهداف عملیات «طوفان الاقصی»، جلوگیری از عادی سازی روابط با اسرائیل است.

۳. یکی از سیاست‌های کلی آمریکا، مطرح کردن اسرائیل، به عنوان قدرت بلامنازع نظامی و امنیتی منطقه بوده و هست و یکی از اهداف عملیات «طوفان الاقصی»، شکست هیمنه دروغین رژیم اسرائیل بوده است.

۴. یکی از مهمترین اهداف عملیات «طوفان الاقصی»، ایجاد خلل در روند تشکیل «نظم نوین جهانی» است و به تعبیر بهتر، زمینه ساز «تمدن نوین اسلامی» است.^(۶۵)

۲۶. نتایج و دستاوردهای عملیات «طوفان الاقصی» با این همه خسارت و شهید چیست؟

عملیات «طوفان الاقصی» به لطف خداوند، دارای دستاوردهای اصولی بی‌شماری است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

اهداف و دستاوردهای سیاسی «طوفان الاقصی»

۵. یکی از سیاست‌های و برنامه‌های نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل، مانند سند ۲۰۳۰، محو نام فلسطین از جغرافیای سیاسی جهان است و در پی آن حذف نام فلسطین از کتب آموزشی، از ردیف کتابخانه‌ها، از مسابقات ورزشی، از سازمان‌های جهانی و ... است و یکی از دستاوردهای سیاسی عملیات «طوفان الاقصی» جلوگیری از فراموشی موضوع فلسطین است.

۶. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، تبدیل شدن مسئله فلسطین به مسئله اول جهان است. صهیونیست‌ها با کمک امپراتوری رسانه‌ای خود، از سوی با فشارها بر فلسطینی‌ها و تداوم محاصره غزه و توسعه شهرک سازی در کرانه باختری، هر روز به سمت تامین اهداف خود حرکت می‌کردند و از سوی دیگر از بازتاب جنایات خود در عرصه جهانی جلوگیری می‌کردند. اما عملیات «طوفان الاقصی»، با وجود خسارت‌های جانی و مالی فراوانی که به مردم فلسطین تحمیل شد؛ توجه جدی و گسترده مردم، سازمان‌ها و رسانه‌های منطقه و جهان را در پی داشته است، تا جایی که دبیرکل سازمان ملل در یک موضع رسمی، ریشه اصلی جنگ کنونی را ۵۰ سال اشغال این منطقه توسط اسرائیلی‌ها عنوان کرده است.

۷. یکی از سیاست‌های کلی آمریکا، نادیده گرفتن حق ملت فلسطین و عادی سازی روابط تمامی کشورها با رژیم اسرائیل است و یکی از دستاوردهای سیاسی عملیات «طوفان الاقصی» جلوگیری از عادی سازی روابط با اسرائیل است.

۸. یکی از سیاست‌های کلی آمریکا، مطرح کردن اسرائیل، به عنوان قدرت بلامنازع نظامی و امنیتی منطقه بوده و هست و همواره کشورهای منطقه، مقهور این قدرت بوده‌اند و یکی از دستاوردهای سیاسی عملیات «طوفان الاقصی» شکست هیمنه دروغین رژیم اسرائیل است.
۹. یکی از مهمترین دستاوردهای سیاسی، سقوط قطعی نتانیاهو به عنوان مسئول اصلی جنگ کنونی و کابینه افراطی او خواهد بود.
۱۰. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، نمایش عملی «ما می‌توانیم» و دمیدن روح تازه به جبهه مقاومت است و جلوگیری از فرسایشی شدن موضوع فلسطین و اضافه بر آن ارتقای جایگاه حماس و تبدیل آن به یک متغیر قدرتمند در منطقه است.
۱۱. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، ارتقای جایگاه تعیین‌کنندگی حزب الله و جبهه مقاومت است.
۱۲. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، انسجام و هماهنگی بین جبهه‌های مقاومت غزه، کرانه باختری، لبنان، عراق و یمن و همراهی آنان با جبهه مقاومت غزه در حمله به اسرائیل است.
۱۳. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، افزایش شکاف میان رژیم صهیونیستی و بسیاری از کشورهای جهان از جمله روسیه، اسپانیا، بلژیک و... است.
۱۴. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، برانگیختن حساسیت مردم دنیا نسبت به مسئله فلسطین، انزجار از اسرائیل و حمایت گسترده از مردم فلسطین است. در جنگ ۲۰۱۴ میلادی، چند تجمع در چند کشور به نفع فلسطین برگزار شد اما اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی، غیر اسلامی و حتی غربی مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه، تجمعات گسترده‌ای در حمایت از فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی برگزار گردیده است.
۱۵. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، جلوگیری از عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل است.
۱۶. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، زنده شدن امکان شکست و از بین رفتن اسرائیل در اذهان مردم و حتی سیاسیون دنیا است.
۱۷. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی، افشای ماهیت دوگانه حقوق بشری غربی است.
۱۸. یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی عملیات «طوفان الاقصی»، تثبیت جایگاه منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران به رهبری داهیان رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

۱۹. یکی از مهمترین دستاوردهای سیاسی عملیات «طوفان الاقصی» ایجاد خلل در روند تشکیل «نظم نوین جهانی» است^(۶۶).

دستاوردهای اجتماعی «طوفان الاقصی»

۱. از مهمترین دستاوردهای اجتماعی، تخلیه مناطق صهیونیست نشین اطراف نوار غزه و همچنین شهرها و روستاهای اسرائیلی اطراف مرز لبنان است.
۲. یکی دیگر از مهمترین دستاوردهای اجتماعی، بر هم خوردن آرامش در سرزمینهای اشغالی است که این سرزمین را برای صهیونیست‌ها ناامن کرده به حدی که مسئله مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها از فلسطین اشغالی به اروپا و آمریکا را جدی کرده است.

دستاوردهای نظامی امنیتی «طوفان الاقصی»

۱. یکی از مهمترین دستاوردهای نظامی امنیتی، شکست هیمنه نظامی، اطلاعاتی و امنیتی رژیم جعلی، غاصب و نامشروع اسرائیل است و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «شکست اطلاعاتی نظامی غیر قابل ترمیم» به حیثیت اسرائیل وارد شده است.
۲. اسرائیلی‌ها با انجام اقدامات تروریستی (همانند شهادت دانشمندان هسته‌ای و موشکی) و خرابکاری (در مراکز هسته‌ای و نظامی) در ایران و کشورهای دیگر و همچنین با ایجاد هیمنه پوشالی "گنبد آهنین" توانسته بودند از سازمانهای نظامی امنیتی و ارتش خود، چهره‌ای بی‌بدیل ارائه دهند، اما شکست اولیه آنها در جنگ غزه، ضربه‌ای جبران ناپذیر به این هیبت و هیمنه دروغین وارد نمود^(۶۷).
۳. اثبات ناکارآمدی دکترین بن‌گورین^(۶۸) و ۴ اصل بازدارندگی، هوشیاری، عملیاتی و امنیتی^(۶۹).

۶۶. توضیح بیشتر، در پاسخ شماره (۲۹).

۶۷. توضیح بیشتر، در پاسخ شماره (۲۹).

۶۸. بنیان‌گذار اصلی و اولین نخست‌وزیر اسرائیل

۶۹. اصل رژیم باید از نظر نظامی دارای چنان قدرتی باشد که دشمنان او حتی جرأت فکر کردن به اینکه این رژیم را مورد تهدید قرار دهند به خود راه ندهند و این یعنی اصل تفوق نظامی بر دشمنان. اصل دوم در همین راستا اصل هشدار بود؛ به این معنا که اسرائیل باید به دلیل اینکه دچار فقدان عمق راهبردی بوده و مساحتش بسیار محدود و جغرافیایش طولی است و عرض بسیار محدودی داشته و عمق استراتژیک ندارد برای جبران این خلأ مجبور است اشراف به برتری اطلاعاتی حاصل کند تا اگر کشورهای دیگر اراده کردند به اسرائیل حمله کنند قبل از این که بخواهند این تصمیم را محقق سازند، اسرائیل مطلع شده و آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشد. اصل سوم انتقال منطقه

دستاوردهای اقتصادی «طوفان الاقصی»

یکی از مهمترین دستاوردهای اقتصادی، فلج کردن اقتصاد اسرائیلی‌ها است. خسارت ناشی از پرتاب موشک‌های فلسطینی به مناطق اسرائیلی، هزینه‌های رژیم صهیونیستی را به شدت افزایش داده است. فراخوانی نزدیک به ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره اسرائیلی برای جنگ در جنوب و شمال، هزینه دفاع، هزینه نیروها و تجهیزات، تعطیلی مراکز اقتصادی و تولیدی، کاهش ارزش پول اسرائیل، کاهش شدید درآمد گردشگری، آوارگی حدود ۲۰۰ هزار صهیونیست از اطراف نوار غزه و جنوب لبنان، تحمیل هزینه اسکان آوارگان؛ بخشی از خسارات وارد شده بر اسرائیل است.

۲۷. مرز حق و باطل در قضایای فلسطین و اسرائیل کجا است؟

ابتدا باید معنا و منظور از حق و باطل روشن شود تا مرز آن، در قضایای فلسطین معلوم گردد. حق به معنای حقیقت و واقعیت است و منظور از حق، چیزی است که اصالت داشته و با واقعیت، مطابقت دارد. و باطل به معنای بی‌ریشه و غیر واقعی است و منظور از باطل، چیزی است که اصالت نداشته و با واقعیت مطابقت ندارد و چیزی جز پندار و خیال بی‌اساس نیست.

با این بیان مرز حق و باطل در قضایای فلسطین و اسرائیل بسیار شفاف و روشن است. با نگاه گذرا بر تاریخ چند هزار ساله سرزمین فلسطین، مشخص می‌شود که حقیقت، واقعیت، ریشه داری و اصالت، متعلق به کدام یک از آنها است، ملت فلسطین یا رژیم اسرائیل؟

۱. آیا ملتی با قدمت دیرینه و با تاریخ چند هزار ساله و با مالکیت مستند و بدون خدشه بر سرزمین؛ حقیقت و واقعیت ندارد؟ و آیا این ملت با اقوام و پیروان مذاهب گوناگون و با زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر در طی قرون متوالی، ریشه داری و اصیل نیست؟

۲. و اگر با زور و تجاوز، سرزمین یک ملت، به هیچ سابقه تجاوز و ظلمی به دیگران، اشغال شود، خانه و کاشانه‌شان تخریب شود، مزارع‌شان مصادره گردد، اموال‌شان به غارت رود، نوامیس‌شان هتک حرمت شود و با ظلم و ستم، از سرزمین مادری‌شان رانده شوند؛ آیا این ملت از حقانیت می‌افتد؟ و متجاوزین که با عقاید

نبرد به قلمرو دشمن بود. اصل چهارم دفاع از شهروندان در مقابل حملات هوایی، موشکی و امثالهم بود.

خرافی، ضد انسانی و نژاد پرستانه (۷۰)؛ دست به چنین جنایانی زده‌اند در جایگاه حق قرار می‌گیرند؟

۳. آیا گشتار وحشیانه و فجیع یک ملت بی‌دفاع و شکنجه‌های بی‌رحمانه‌ی یک ملت غارت زده و آواره و وحشی‌گری‌های مدام در طی ۸ دهه؛ حق را برای اشغالگران ثابت می‌کند؟ یا آن که دلیل بر پی‌ریشه بودن و غیر واقعی بودن و ناروا بودن اشغالگران و پوچی پندار و ادعای بی‌اساس آنان است؟

۴. آیا بی‌تفاوتی مجامع بین‌المللی، در سایه خودباختگی دولت‌های اسلامی و سکوت یک و نیم میلیارد مسلمان، در برابر ندای یا للمسلمین، حق و حقیقت است یا باطل و ناروا است؟ آیا مردم دنیا در برابر این نسل‌کشی و مردم مسلمان جهان در برابر این تجاوز وحشیانه وظیفه‌ای ندارند؟

۵. آیا دفاع از حقوق مسلم و تقدیم ده‌ها هزار شهید و صدها هزار مجروح و میلیون‌ها نفر آواره و زندگی در سخت‌ترین شرایط و با حداقل امکانات؛ حق و حقیقت نیست و آیا مبارزه برای احقاق حق پایمال شده در طی قرون متوالی، ریشه داری و اصیل نیست و آیا حمایت تعدادی اندک از کشورهای متعهد مانند ایران اسلامی، در راستای وظیفه دینی و انسانی و بر مدار حق و حقیقت نیست؟!

۶. با ترسیم و نگاه به این صفحه شفاف نبرد حق و باطل، آیا شک و تردیدی در حقانیت مردم مظلوم فلسطین و باطل و پی‌ریشه بودن رژیم غاصب، جعلی، نامشروع و کودک‌کش می‌ماند؟

۷. خوشبختانه پس از عملیات «طوفان الاقصی» وجدان بشر بیدار شده و موج گسترده و میلیونی مردم جهان در بیش از ۹۲ کشور را شاهدیم که در حمایت از مردم مظلوم فلسطین بپاخواسته‌اند و به یقین مژده‌ی پیروزی حق بر باطل را خواهد داد ان شاء الله.

۲۸. آینده جهان بعد از نابودی رژیم صهیونیستی چگونه خواهد بود؟

از آن جایی که رژیم جعلی و غاصب اسرائیل، جرثومه فساد و تباهی است و هموار در طول تاریخ نحس اشغالگری، به دنبال اهداف وحشیانه و خطرناک بوده و در این

مسیر از هیچ جنایتی خودداری نکرده است؛ آنگاه که رخت بربندد، به یقین جنایت، غارت، کشتار و وحشیگری هم رخت بر خواهد بست.

از آن جایی که عمده ناامنی‌ها و مشکلات غرب آسیا بخاطر وجود رژیم جعلی و غاصب اسرائیل است، به یقین در دنیای بدون اسرائیل، بخش عظیمی از ناامنی‌ها و مشکلات غرب آسیا برطرف خواهد شد چرا که:

۱. یکی از اهداف اسرائیل و یکی از مصوبات لازم الاجرای کنگره آمریکا، لزوم برتری قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی اسرائیل در منطقه و ممانعت از قدرت گرفتن دیگر کشورها است^(۷۱) و این برتری طلبی با توجه به روحیه تجاوز و وحشیگری رژیم اسرائیل، همواره برای منطقه دردسر ساز و مصیبت آفرین بوده و خواهد بود و وقتی اسرائیل از بین برود، بخش مهمی از دردها و مصیبت‌های منطقه برطرف خواهد شد.

۲. یکی از اهداف نظام سلطه در حمایت از اسرائیل، ایجاد مانع در اقتدار، استقلال و پیشرفت کشورهای منطقه به خصوص کشورهای اسلامی است که با اختلاف افکنی در میان کشورها این هدف را محقق می‌سازد و وقتی اختلاف افکن از بین برود، بخش مهمی از درگیری‌ها و اختلاف‌ها از بین خواهد رفت.

۳. یکی از اهداف نظام سلطه در حمایت از اسرائیل، تفوق و برتری خواهی بر کشورهای منطقه به خصوص کشورهای اسلامی است. بر این اساس همواره با امتیازگیری و باج خواهی، کشورهای منطقه را زیر دست و تابع، خراج ده و گاو شیرده، قرار داده و می‌دهند و وقتی اسرائیل از بین برود، باج خواهی و برتری جویی از منطقه رخت بر می‌بندد.

۴. رژیم جعلی اسرائیل، مانند داعش، بازوی نظام سلطه در ناامن کردن منطقه و جهان است. در حقیقت اسرائیل، همان داعش سرکوب نشده ۷۵ سال پیش است و به تعبیر یهودیان اصیل: نسبت صهیونیست به یهودیان، مانند نسبت داعش به مسلمانان است. و به مثابه یک جسم غریبه و نامتناسب و فاسد در پیکر منطقه و

۷۱. یکی از دلائل مانع تراشی در برابر فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران همین امر است. ایرانی که تمام فعالیت‌هایش زیر نظر آژانس بین المللی هسته‌ای است و عضو ام پی تی می‌باشد و آژانس ده‌ها بار رسماً اعلام نموده که فعالیت‌های ایران صلح آمیز بوده و انحرافی مشاهده نکرده‌اند؛ مورد شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها و تهدیدها قرار گرفته است اما اسرائیلی که بیش از ۲۰۰ کلاهک اتمی دارد و تحت نظارت آژانس و عضو ام پی تی نیست، مورد حمایت کامل و تمام قد آمریکا و غرب است.

جهان اسلام قرار دارد و یکی از سیاست‌ها و راهبردهای قطعی این رژیم، برای تأمین امنیت خود؛ ایجاد ناامنی در دیگر کشورها است. از این رو منطقه همواره با اقدامات خبیثانه اسرائیل در ناامنی و شرارت به سر می‌برد و وقتی محور ناامنی و شرارت، از بین برود، بخش مهمی از امنیت منطقه تأمین خواهد شد.

۵. یکی از اهداف نظام سلطه در حمایت از اسرائیل، تغییر نقشه جغرافیای منطقه و تشکیل «خاورمیانه جدید» است تا راحت‌تر بتوانند منابع سرشار منطقه را چپاول و غارت نمایند و وقتی اسرائیل از بین برود، زمینه تغییر نقشه و چپاول و غارت منابع سرشار منطقه از بین می‌رود.

۶. یکی از اقدامات شرم آور رژیم منحوس اسرائیل، آموزش نیرو برای قتل، ترور، شکنجه، و جاسوسی است. تمامی شکنجه‌گرهای ساواک در دوران ستم شاهی در اسرائیل آموزش دیده بودند و امروز بیشترین جاسوس در کشورهای منطقه متعلق به اسرائیل است و وقتی اسرائیل از بین برود، زمینه قتل، ترور، شکنجه، و جاسوسی در منطقه از بین می‌رود.

۷. یکی از اهداف اسرائیل، استیلای فرهنگی بر منطقه است و از آن جایی که مجموعه یهود صهیونیست بر اساس عقاید خرافی، انحرافی شکل گرفته است؛ این افکار تهدیدی برای فرهنگ کهن مردم منطقه خواهد بود و در دراز مدت ذائقه مردم منطقه را تغییر خواهد داد و وقتی رژیم اسرائیل از بین برود، بخش مهمی از افکار خرافی و انحرافی، رخت برمی‌بندد و فرهنگ اصیل دینی و انسانی گسترش می‌یابد.

۸. رژیم جعلی و غاصب اسرائیل با توجه به اهداف و افکار و اقدامات خبیثانه خود، مانع جدی در برپایی حکومت مصلح و منجی جهانی است و وقتی این رژیم جعلی و نامشروع از بین برود، یکی از بزرگترین موانع «ظهور منجی و مصلح جهانی» برداشته خواهد شد. آری با از بین رفتن جرثومه فساد و تباهی و رفع موانع «ظهور منجی و مصلح جهانی»، دیگر بشر از جور ظلم و ستم رهایی خواهد یافت و روی امنیت، آرامش، پیشرفت و تمدن واقعی را خواهد دید و به یقین آن روز، محقق خواهد شد و به یقین آن روز، نزدیک است. «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ».

۲۹. آیا عملیات «طوفان الاقصی» در تغییر «نظم نوین جهانی» تأثیر دارد؟

با خاتمه جنگ سرد و حذف اتحاد جماهیر شوروی، «نظم دو قطبی جهانی»، جای خود را به ایده‌ی «نظم نوین تک قطبی جهانی» داد. تفکری که مدعی است باید

یک قدرت برتر، حاکم باشد. از این رو آمریکا با نفوذ در دنیا و خاصه غرب آسیا، و مدیریت تحولات منطقه و آزاد سازی کویت و حمله به افغانستان، عراق و سوریه و تأسیس داعش و حمایت‌های همه جانبه از اسرائیل؛ همه برای نشان دادن قدرت برتر بودن و تحقق این ایده است.

در این میان خیزش همه جانبه مسلمانان منطقه، در سایه انقلاب اسلامی و در راستای «تمدن نوین اسلامی»، خطری جدی برای تحقق «نظم نوین جهانی» به حساب می‌آید، به حدی که سیاستمداران خبره غربی از آن به رویارویی تمدن‌ها یاد کردند و چاره آن را مهار جمهوری اسلامی ایران و سرکوب جبهه مقاومت دانسته‌اند. این که بایدن می‌گوید: اگر اسرائیل نبود، ما برای تأمین منافع خود، آن را ایجاد می‌کردیم. و یا برنالوس یهودی می‌گوید: اگر جوانان اسلام‌گرا را کنترل نکنیم، اینان زمینه ساخت تمدن غرب را تهدید می‌کنند، چون توانمندی ساختن تمدن جدید و زمینه حکومت تمدنی را دارا هستند و حرف برای گفتن دارند؛ همه به همین خاطر است.

در همین رابطه دولت آمریکا برای تقابل انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت، به تقویت جریان‌های انحرافی وهابی و داعشی^(۷۲)، با تأمین مالی عربستان سعودی روی آورد و محوریت آن را دولت اسرائیل قرار داد و کشورهای عربی منطقه را به عادی سازی روابط با اسرائیل واداشت تا در تحقق «نظم نوین جهانی» و «حاکمیت دلار»، گام بردارد. اما از آن جایی که این طرح، با فرماندهی حاج قاسم سلیمانی، تا حدودی شکست خورد؛ بر آن شدند تا با دو راهبرد اساسی دیگر، جلوی تحقق «تمدن نوین اسلامی» را گرفته و «خاورمیانه جدید» را محقق سازند.

راهبرد اول: پیمان صلح ابراهیم یا معامله قرن را عملی سازند و در ماه فوریه، همه فلسطینی‌ها را از اسرائیل کوچ دهند و هر کس ماند قتل عام شود و کارهای مقدماتی و ایجاد آمادگی با مانورهای مخصوص را شروع کرده بودند که عملیات «طوفان الاقصی» کلید خورد و همه نقشه‌های آنان را بهم ریخت و اگر عملیات «طوفان الاقصی» شروع نمی‌شد؛ قتل عام مردم غزه قطعی بود.

راهبرد دوم: اسرائیل را حاب تکنولوژی شرق قرار دادند و نمایندگان و مهندسين نخبه‌ی شرکت‌های هایتک در سراسر جهان را در اسرائیل جمع و دریگان فوق سری و فوق امنیتی سازماندهی کردند تا برای تحقق «نظم نوین جهانی»، کار بر روی هوش مصنوعی شروع شود.

۷۲. بیل کلینتون: به ۱۲۰ کشور جهان سفر کردم و برای تأسیس داعش آنان را هماهنگ کردم.

وقتی حماس در عملیات «طوفان الاقصی» افراد فوق سری و فوق امنیتی یگان را دستگیر کرد و تمام رایانه‌ها آنان، که اطلاعات فوق سری و فوق امنیتی داشت، را در اختیار گرفت^(۷۳)؛ ضربه مهلکی بر کار هوش مصنوعی وارد شد، که برای غرب بسیار دردناک و برای «نظم نوین جهانی» فاجعه آفرین بود، به گونه‌ای که نفر دوم آمریکا «کاملا هریس» در مصاحبه‌اش گفت: پروژه هوش مصنوعی از رده خارج شد. این که می‌بینیم بسیاری از سران غرب بلافاصله خودشان را به اسرائیل رساندند، بخاطر همین حقیقت بود.

امروز حماس با داشتن اسیر از ۴۲ کشور جهان و در دست داشتن سری‌ترین و امنیتی‌ترین اطلاعات سوار شده بر روی مغز هوش مصنوعی؛ مسیر تحقق «نظم نوین جهانی» را تغییر داد، اگر نگوییم پایان تمدن غرب را کلید زد.

۳. چگونه عملیات «طوفان الاقصی» در مسیر تمدن سازی و ظهور است؟

مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل در مسیر شکل‌گیری «تمدن بزرگ اسلامی» و «ظهور منجی و مصلح جهانی» است و عملیات «طوفان الاقصی» بخشی از آن شکل‌گیری تمدنی است. چرا که به تعبیر رهبر انقلاب: «جغرافیای سیاسی منطقه در حال دگرگونی است» و یکی از خصوصیات آن «آمریکازدایی یعنی نفی سلطه آمریکا بر منطقه» است و نشانه واضح و آشکار آن «حادثه عمیقاً تاریخی ساز «طوفان الاقصی» است^(۷۴) و آن جایی که سلطه آمریکا بر منطقه، مانع اصلی جهان اسلام است؛ «آمریکازدایی» در مسیر شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» معنا پیدا می‌کند.

بر اساس اسناد فراوان، هدف نظام سلطه، از ایجاد رژیم صهیونیستی اسرائیل، جلوگیری از «اتحاد جهان اسلام» و شکل‌گیری «تمدن بزرگ اسلامی» در مسیر «ظهور منجی و مصلح جهانی حضرت مهدی» ارواحنا فداه است. برای تحقق این هدف،

۷۳. وقتی حماس در عملیات «طوفان الاقصی» وارد منطقه فوق سری و فوق امنیتی یگان ۸۲۰۰ شد و تمام افراد یک شیف‌ت که متشکل از یک افسر ارشد و ۴۳ مهندس بود را دستگیر کرد و تمام رایانه‌ها آنان که اطلاعات فوق سری و فوق امنیتی داشت، را در اختیار گرفت و تمام «چیپ ست»‌های افراد را در محل جشن نوا (که برای جذب دانشجوی نخبه برپا شده بود) ریخت. از آن جایی که اطلاعات و اسناد فوق محرمانه تمدنی غرب، سوار بر فناوری هوش مصنوعی، در اختیار افراد یگان ۸۲۰۰ بود و به هیچ وجه نباید لو می‌رفت و الان آن اطلاعات و اسناد فوق سری لو رفته بود و باید همه می‌مردند؛ اسرائیل رد «چیپ ست»‌های افراد را گرفت و محل جشن نوا را بمباران کرد.

۷۴. دیدار بسیجیان با رهبر انقلاب ۸ آذر ۱۴۰۲.

دکترین «گسترش جغرافیایی اسرائیل از نیل تا فرات» و راهبرد «جنگ در بیرون و امتیازگیری در درون» و طرح «خاورمیانه جدید» و «معامله قرن» برای این رژیم انتخاب گردید و بر این اساس، رژیم صهیونیستی به طور دائم مشغول تجاوز، جنگ و پیشروی به مرزهای دیگر کشورها و الحاق سرزمین‌های دیگر، به سرزمین اسرائیل بوده و هست، تا از «اتحاد جهان اسلام» و شکل‌گیری «تمدن بزرگ اسلامی» جلوگیری نماید.

اما گذر تاریخ چند ساله نشان می‌دهد که نه تنها اسرائیل در جلوگیری موفق نبوده؛ بلکه تحولات چند دهه، نشان از حرکت امت اسلامی در مسیر «اتحاد جهان اسلام» و شکل‌گیری «تمدن بزرگ اسلامی» دارد. برای تبیین این حقیقت اشاره به چند نکته لازم است.

۱. اوج قدرت نمایی اعراب برای درهم شکستن راهبرد صهیونیست‌ها در نبرد شش روزه، موسوم به نبرد اعراب و اسرائیل بود، که ارتش‌های عراق، عربستان، تونس، الجزایر، لیبی و کویت، به کمک ارتش‌های مصر، سوریه و اردن شتافتند، اما در طی شش روز، با بیش از ۲۱ هزار کشته و خسارت‌های سنگین، از رژیم صهیونیستی شکست خوردند و بالاجبار امتیازهای فراوانی به صهیونیست‌ها داده شد.

۲. از آن پس ملت فلسطین در برابر اسرائیل با دست خالی به مبارزه برخاست و جز قربانی دادن و اسیر شدن و به زندان افتادن، چیزی برای او حاصل نمی‌شد و این در حالی بود که عمده دولت‌های عربی خودباخته، نغمه سازش با رژیم صهیونیستی سردادند و با سلب مسئولیت، مسئله فلسطین را به فلسطینی‌ها واگذار کردند و به جیره خواری آمریکا و اسرائیل درآمدند.

۳. در این هنگام «انقلاب اسلامی» به عنوان یک «قدرت تمدنی» در جغرافیای سیاسی و حاکمیتی جهان، پدیدار شد و تمام برنامه‌های نظام سلطه را به هم ریخت. انقلاب اسلامی برای باز تولید حاکمیت اسلام، به شکل دهی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت و موضوع فلسطین را اولویت اول و نقطه کانونی سیاست خارجی خود قرار داد.

۴. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان اولین گام، مبارزه با موجودیت رژیم صهیونیستی و دفاع از ملت فلسطین را، به عنوان مسئله جهان اسلام در دستور کار انقلاب اسلامی قرار داد و جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی

قدس اعلام نمود. این ابتکار مورد استقبال مسلمانان قرار گرفت و مسئله فلسطین، به دغدغه اصلی جهان اسلام تبدیل شد.

۵. دور اندیشی حضرت امام خمینی (ره) در ایده تشکیل «هسته‌های مقاومت جهانی» که فرمود: «باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد»^(۷۵)؛ در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «هسته‌های مقاومت جهانی» امروز در منطقه محقق شده و هسته‌های مقاومت در حال تغییر سرنوشت منطقه هستند که یک نمونه آن، همین طوفان الاقصی است»^(۷۶).

۶. در پرتو انقلاب اسلامی و رهبری داهیانه امامین انقلاب، انتفاضه مظلومانه فلسطینی‌ها (جنگ با سنگ) در برابر مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی شکل گرفت و رفته رفته با قوت‌گیری نهال انتفاضه، جبهه «جهاد اسلامی فلسطین» راه‌اندازی شد و با قوت گرفتن «جهاد اسلامی فلسطین» و سازماندهی مبارزات، دکترین «گسترش قلمرو از نیل تا فرات»، به دکترین تحمیلی «حصر خانگی و احداث دیوار حایل در داخل سرزمین‌های اشغالی» تبدیل شد.

۷. ایستادگی جبهه «جهاد اسلامی فلسطین» در برابر حملات ددمنشانه صهیونیست‌ها، به ارتقای تجربه فلسطینی‌ها و افزایش توانمندی‌های نظامی و حرکت در مسیر خودکفایی در تولید نیازمندی‌های نظامی انجامید و به این ترتیب جبهه مقاومت فلسطین، جایگزین حرکت مظلومانه انتفاضه شد.

۸. صهیونیست‌ها برای «خروج از حصر خانگی» و بازگشت به دکترین پیشین و درهم شکستن جبهه مقاومت و جلوگیری از الحاق این جبهه، به حزب‌الله لبنان، به انجام نبردهای «۵۵ روزه»، «۳۳ روزه»، «۲۲ روزه» و «۱۱ روزه» روی آوردند، اما این خطای راهبردی آن‌ها، سبب الحاق جبهه مقاومت فلسطین به محور مقاومت اسلامی گردید.

۹. در این مرحله رهبر معظم انقلاب، برای اولین بار، طلسم نظام سلطه در باره تروریست خواندن فلسطینی‌ها را درهم شکسته و در مقام مطالبه گر (نه پاسخگو)، ضرورت حمایت و کمک همه جانبه نظامی و غیر نظامی به فلسطینی‌ها و تجهیز نظامی کرانه باختری رود اردن را رسماً اعلام کردند. و پس از آن، محور

۷۵. ۲ آذر ۱۳۶۷.

۷۶. دیدار بسیجیان با رهبر انقلاب ۸ آذر ۱۴۰۲.

مقاومت اسلامی فلسطین، با گذر از راهبرد «مقاومت فعال»، به راهبرد «نابودی رژیم صهیونیستی» روی آورده و نابودی این رژیم سفاک و تروریست را به عنوان مقدمه حرکت به سمت «تمدن نوین اسلامی» نشانه رفت و عملیات بی نظیر «طوفان الاقصی» را پی ریزی نمود.

۱۰. محور مقاومت اسلامی فلسطین در عملیات «طوفان الاقصی» برای اولین بار، موانع هفت گانه امنیتی رژیم صهیونیستی را درنوردید و در درون سرزمین اشغالی، مقتدرانه و در اوج غافلگیری، تا عمق ۳۵ کیلومتری، بدون کوچکترین مقاومتی نفوذ کرد و با دستیابی به سه هدف عملیات و مرکز عمده اطلاعاتی و نظامی اسرائیل و در اختیار گرفتن اطلاعات سری رژیم صهیونیستی؛ خسارت‌ها و ضربه‌های جبران ناپذیر و غیر قابل ترمیمی را به پیکر رژیم صهیونیستی وارد نمودند.

۱۱. عملیات «طوفان الاقصی» به عنوان راهبرد جدید «جبهه مقاومت فلسطین»، ادبیات سیاسی و نظامی در موضوع فلسطین را تغییر داد و واژگان جدیدی در این عرصه بوجود آورد که آینده باید بر مبنای این راهبرد، به قضیه فلسطین نگاه کرد. چرا که این عملیات، پاسخی روشن به جنگ‌های کلاسیک ارتش‌های عربی با رژیم صهیونیستی در ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و هم پاسخ به توحش و درنده خویی رژیم صهیونیستی در صبرا و شتیلا، دیرباسین و خان یونس و... است.

۱۲. دستاوردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی عملیات بی نظیر و باور نکردنی «طوفان الاقصی» که پاسخ‌های قبلی به آن اشاره شد (۷۷) حکایت از «حرکت به سوی نظم جدید جهانی»، «اتحاد جهان اسلام»، شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» و حرکت به سمت «ظهور منجی و مصلح جهانی» و آمادگی برای «طلوع خورشید ولایت عظمی» ارواحناده دارد. همان گونه که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده است.

۱۳. امروز جبهه غزه، خط اول تقابل تمدن‌ها است. و در حقیقت مردم غزه برای رفع موانع «تمدن نوین اسلامی» مبارزه می‌کنند. حقیقتی که نخست وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی، با عملیات «طوفان الاقصی» به آن تصریح کرد که: ما برای حفظ تمدن غرب می‌جنگیم و اگر در این جنگ پیروز نشویم، نه تنها اسرائیل، که

- تمدن غربی فرو می‌ریزد. و چه زیبا رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان فرمود: قضیه‌ی فلسطین کلید رمز آلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است».
۱۴. پایه‌ریزی و ایجاد جبهه‌ی مقاومت به عنوان یک الگوی موفق مبارزه در منطقه که از نوار غزه و کرانه‌ی باختری شروع می‌شود و در لبنان و سوریه و عراق گسترش می‌یابد و از افغانستان و یمن سر در می‌آورد و امروز در سایه عملیات «طوفان الاقصی» کرانه‌ی باختری، لبنان، عراق و یمن را با هم هماهنگ می‌کند؛ همه در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است.
۱۵. بهم ریختن و رنگ باختن دوگانه‌های جعلی و تحمیلی «عرب و عجم» یا «شیعه و سنی» و حاکم شدن دوگانه جدیدی به نام «مقاومت و تسلیم» بر منطقه، با حرکت‌های هوشمندانه عملیات «طوفان الاقصی» کلید خورده است و به تعبیر رهبر انقلاب: «جریان مقاومت یعنی تسلیم نبودن در برابر زورگویی، زیاده‌خواهی و دخالت‌های آمریکا، یک جریان واضح در منطقه»^(۷۸) و در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است.

نتیجه

انقلاب اسلامی ایران طی ۴۵ سال، در راستای «تمدن نوین اسلامی» سیر تکاملی جبهه مقاومت فلسطین را پایه‌ریزی کرده است به گونه‌ای که مقاومت فلسطین، رشد کمی و کیفی یافت و نه تنها شکست و سازش اعراب و عادی سازی با اسرائیل نتوانست خللی در اراده ملت فلسطین بوجود آورد، بلکه دست خالی ملت فلسطین برای مبارزه پر شد و از قربانی دادن و اسیر شدن و به زندان افتادن، و دفاع بی‌ثمر، آنان را به عملیات بی‌نظیر و باور نکردنی «طوفان الاقصی» رساند و در پی آن جبهه‌های مقاومت را به هم رساند؛ و در مقابل روز به روز از اقتدار و توانایی اسرائیل کاسته، و رژیم صهیونیستی را در سرایشی مرگ قرار داد تا جایی که دکترین «گسترش قلمرو از نیل تا فرات» را به دکترین تحمیلی «حصر خانگی و احداث دیوار حایل در داخل سرزمین‌های اشغالی» تبدیل کرد. و این به یقین همان حرکت در مسیر «تمدن سازی نوین اسلامی» و «ظهور منجی و مصلح جهانی» است.